



قرآن شریف

با

ترجمہ و تفسیر کاہلی

۲۴

مقدمه

این قرآن مجید که معهُ ترجمه و تفسیر آن است، در افغانستان بنام **تفسیر کابلی** شهرت دارد. ترجمه و تفسیر این قرآن پاک را که عالم شهیر مولانا محمود الحَسَن (رح) "دیوبندی - اهل هند" و مولانا شبیر احمد عثمانی (رح) "اهل هند" و حضرت شاه عبدالقادر (رح) و مولانا محمد قاسم (رح) به زبان اُردو نوشته بودند، تحت نظارت علمای فاضل و ممتاز افغانستان از زبان اُردو به زبان دری ترجمه و تدوین شده است. آنها این میوه قیمتی را در اختیار افغانهای مسلمان و مُتَدین قرار داده اند تا آنها از آن مستفید گردند و در زندگی مسیر درست را انتخاب کنند.

روح مُترجمین و مُفسرین آن شاد و جایشان بهشت برین باد!

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

(هَرَاتینِه) ما (الله) فرو فرستادیم قرآن را و هَرَاتینِه (بدون شک) ما او را نگهداریم (۹).

آیت فوق در سوره پانزدهم (سوره حَجِر) است.

(حَجِرِ وادی ای است در میان مدینه و شام و اصحاب حَجِرِ قوم ثمود را گوید)

قابل یادآوریست که هر صفحه این قرآن عظیم الشان نسبت به اصل آن که ۱۰۰٪ بود تا ۱۳۵٪ کلانتر شده است.

ترتیب کننده این سپاره: محمد هاشم معلم زبانهای دری، پشتو و فارسی در سویدن

۲۰۰۳ - ۱۳۹۲ هجری شمسی مطابق به ۱۰ - ۰۶ - ۲۰۱۳ میلادی

قرآن مجيد

بترجمه و تفسير

انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون

(سورة الحجر: ٩)

طبع على نفقة

عبد الله بن عبد الغني و اخوانه

بدولة قطر

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

پناه می‌برم به الله از شرّ شیطانِ رانده شده
(شیطان که از رحمت خدا دور شده)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

سپارهٔ بیست و چهارم (۲۴)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِنْ كَذَّبَ عَلَى اللَّهِ

پس کیست ستمگاتر از آنکه دروغ گفت بر خدا

وَكَذَّبَ بِالْحَقِّ إِذْ جَاءَهُ ۖ أَلَيْسَ

و تکذیب کرد سخن راست را به مجردیکه رسید به او آیا نیست

فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿۳۹﴾

در دوزخ جای اقامت برای کافران ؟

تفسیر : بخدا دروغ گفت یعنی باوی شریکها مقرر کرد و یا برای وی اولاد را تجویز نمود و یا صفاتی را بسوی او منسوب کرد که لایق شان او نبود- سخن راست هنگامیکه باو رسید آنرا دروغ پنداشت یعنی بمجردیکه سخنان راست را انبیاء علیهم السلام از طرف خدا آوردند به تکذیب آن پرداخت و هیچ زحمت تدبر و تفهم را برخود کوآرا نداشت آنانیکه بدین پایه دشمن راستی باشند هرآئینه ظالم ترین مردمان خواهند بود و جای ایشان در دوزخ است . عموماً مفسرین تفسیر این آیت را بهمین قرار کرده اند مگر حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد که «یعنی اگر نبی نام خدا را (معاذالله) بدروغ برد کیست بدتر از او - و اگر او برحق و راست بود و شما تکذیب کردید کیست بدتر از شما» (گویا حضرت ممدوح مصداق «من کذب علی الله» و «کذب بالصدق» را جدا جدا فرار داد و همین مطلب در آینده در «والذی جاء بالصدق» می آید).

وَالَّذِي جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ بِهِ

و آنانکه آوردند دین راست را و باور داشتند آنرا

أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۴۰﴾

آنجماعه هستند پرهیزگاران

تفسیر : شان کسانی که از خدا می ترسند این است که سخن راست بیاورند ، دایماً راست بگویند و راستی را تصدیق کنند - حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «کسیکه سخن راست را آورد نبی و آنکه آنرا پذیرفت مومن است» - (گویا مصداق هر دو جمله علیحده است) .

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ ذَٰلِكَ

ایشانراست آنچه خواهند نزد پروردگار شان این است

جَزَاءُ الْبِحْسَنِ ۖ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ

پاداش نیکو کاران تا دور کند الله از ایشان

أَسْوَ الَّذِي عَمِلُوا أَوْ يَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ

عمل بد را از جمله اعمالیکه کردند و بدهد ایشانرا مزد ایشان

بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۖ

بعمل نیکو از آن اعمالیکه میکردند

تفسیر : یعنی الله تعالی به متقین و محسنین معاوضه کارهای نیکوی آنها را خواهد داد و اگر بغلطی کار بدی از نزد آنها سرزند آنها را معاف خواهد کرد .
تنبیه : «اسوا» و «احسن» (صیغهای تفضیل) را شاید از آن سبب استعمال فرمود که نیکوی ادنای اشخاص بلند مرتبت نسبت به نیکوی دیگران و بدی ادنای آنها نسبت به بدی های دیگران بلندتر یا سنگین تر دانسته میشود (والله اعلم) .

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ ۖ وَيُخَوِّفُونَكَ

آیا نیست الله کافی بنده خود را و می ترسانند ترا

بِالَّذِي يُضِلُّ اللَّهُ

به آن معبودانیکه جزوی اند و هر کرا گمراه کند الله

فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۖ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ

پس نیست او را هیچ راه نماینده و هر کرا هدایت کند الله پس نیست او را

مَنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿۳۷﴾

هیچ گمراه کننده آيا نيست الله غالب انتقام گیرنده ؟

تفسیر : چند آیت پیش در «ضرب الله مثلاً رجلاً فیہ شرکاء الایه» ر دشرك وجہل مشرکین بیان شده بود بنابراین مشرکین پیغمبر (ع) را از بتان خود میترسانیدند که «هوش کن بسبب توهین و تحقیر معبودان ما را بقهر و غضب میار مباداترا «معاذالله» مجنون و مضبوط الحواس بسازند» جواب داده شده که «شخصیکه بنده خدای مقتدر یگانه گردید ازین خدایان عاجز و ناتوان چه خوف و هراس دارد ؟ آیا او را امداد و حمایت آن عزیز منتقم کافی نیست که از دیگران بترسد و یابه آنها محبت کند؟» این هم يك خطب و گمراهی دیگر است که از طرف این مشرکین بروز میکند که میخواهند پرستنده خدای واحد را با چنین بازیچه ها بترسانند - حقیقت اینجا نهفته است که کسی را به راه راست روان کردن و یا از آن راه منحرف ساختن همه به اختیار خداوند است - چون خدا (ج) شخصی را بسبب نادانی و کجروی اش براه کامیابی رهنمون نشود آن شخص همین طور مضبوط الحواس و دیوانه میگردد حتی برای فهمیدن سخنان عادی هم قوت او سلب میگردد - آیا این بیخردان اینقدر هم شعور و تمیز ندارند که بنده که در پناه خداوند مقتدر در آمد هیچ قوت دیگری باو گزندی رسانده نمیتواند قوه مقابل و معاند بالاخر نیست و نابود کرده میشود زیرا غیرت خداوندی مقتضی آنست که انتقام وفا داران مخلص خود را بگیرد و دشمنان حق را ناکام و شرمسار می سازد .

وَلَكِنَّ سَاءَ لَّهُم مِّنْ خَلْقٍ السَّمُوتِ

و (قسم است) اگر پیروی ایشانرا که کدام کس آفرید آسمانها

وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ

و زمین را البته گویند (آفرید) الله بگو آیا دیدید

مَاتَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ

آنرا که می پرستید بجز الله اگر خواهد بمن

اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَتُ ضُرِّهِ

الله ضرری را آیا این بتان زایل کننده ضرر او هستند

أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتٌ

یا اگر خواهد خدا بمن رحمتی آیا این بتان هستند باز دارندگان

رَحْمَتِهِ ۛ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ ۛ عَلَيْهِ

رحمت او بگو بس است مرا خدا بروی

يَتَوَكَّلُ الْهُتَوُكِّلُونَ ۝ (۳۹)

اعتماد میکند اعتماد کنندگان .

تفسیر : یکطرف ذات خداوند قدوس که برطبق اقرار خود شما آفریننده زمین و آسمان است و طرف دیگر بتان بیجان قرار دارند که آنها را از سنگ و چوب ساخته اید. قدرت شما و معبودان شما به آن پایه است که چون همگان دست بهم بدهید جزئی ترین آسیبی به آنکه پیام الهی (ج) را بشما آورده است رسانده نتوانید اکنون انصافاً بگوئید که کدام یکی ازین هردو باید طرف اعتماد قرار داده شود و کدام یکی را انسان برای امداد خود کافی بداند - قوم حضرت هود (ع) هم گفته بود «ان نقول الا اعتريك بعض الهتنا بسوء» پیغمبر مدوح جواب داد که «انی اشهد الله واشهدوا انی برئ مما تشرکون من دونه فکیلونی جمیعاً لا تنظرون انی توکلت علی الله ربی و ربکم مامن دابة الاهو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم» (هود - رکوع ۵) و حضرت ابراهیم (ع) به قوم خود فرموده بود «ولا اخاف ما تشرکون به الا ان یشاء ربی شیئاً وسیع ربی کل شیء علماً فلا تتذکرون و کیف اخاف ما اشرکتکم ولا تخافون انکم اشرکتکم بالله مالم ينزل به علیکم سلطاناً فای الفرقین احق بالامن ان کنتم تعلمون» (انعام - رکوع ۹)

قُلْ يَقَوْمِ اَعْمَلُوا اَعْلٰی مَكًا نَتِیْكُمْ

بگو ای قوم من عمل کنید بحال خود

اِنِّیْ عَامِلٌ ۚ فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۝ (۴۰)

(هر آئینه) من (نیز) عمل کننده ام (بحال خود) پس زود باشد که بدانید

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ

کیست که بیاید باو عذابیکه رسوا کند او را و فرود آید

عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقيمٌ ﴿۴۰﴾

بروی

عذاب

دایم

تفسیر : زود به منصفه شهود میرسد که آیا بنده خدای یگانه غالب و کامران میشود و یا در یوزه گرانیکه بدرگاه صدها آله باطله جبهه سائی مینمایند کامیاب و فائز المرام میگرددند؟ واقعات زود وانمود میکند که بنده که داخل حمایت و پناه خدای رحمن شد بمراد خواهد رسید و آنانیکه با او از در مخالفت و مخاصمت پیش آمدند همه ذلیل و خوار خواهند گشت .
تنبيه : از «عذاب یخزیه» عذاب دنیاواز «عذاب مقيم» عذاب آخرت مراد است (والله اعلم) .

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ ج

به تحقیق ما فرود آوردیم بر تو کتاب را برای همه مردمان مشتمل به دین راست

فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّٰ فَلَا نَهْمَا

پس هر که راه یافت پس مراور است فایده آن و هر که گمراه شد پس جزاین نیست

يَضِلُّ عَلَيْهَا ۖ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿۴۱﴾

که گمراه میشود بر ضرر نفس خود و تونیستی برایشان ذمه وار.

تفسیر : بذریعه این کتاب سخنان راست نصیحت را بر زبان تو رانیدیم و راه دین را بصحت و وضاحت نشان دادیم - اکنون هر کس نفع و نقصان خود را بسنجد - اگر به نصیحت گراید به خیر و بهبود خودش تمام میشود ورنه عاقبت خود را خراب میکند - بر توهیج مسئولیت عائد نمی شود که آنها را خواهی نخواهی بجبر واکراه براه بیاری - وظیفه تو همین بود که پیغام حق را برسانی چنانچه آنها ایفا و ادا نمودی پس معامله را بخدا بسپار که زنده کردن و میرانیدن - خوابانیدن و بیدار نمودن همه به اختیار اوست .

اللَّهُ يَتَوَفَّىٰ الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا

الله می کشد نفس هارا هنگام مرگ ایشان

وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا ۖ فِيمِصْكُ الَّتِي

و میکشد در خواب آن نفس هائی را که نمرده اند پس نگه میدارد آن نفس هارا

قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأَخْرَىٰ

که حکم کرده بر آنها مرگ را و میفرستد آن دیگر را

إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

تا معین بدوستیکه درین

لَايَةٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۴۲﴾

نشانه‌است برای قومیکه تفکر میکنند

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می‌نویسد «یعنی خداوند در هنگام خواب هر روز و یا شب جان را بدر میکند و باز پس می‌فرستد - همین علامه و نشانی آخرت است - معلوم گردید که در حین خواب هم روح کشیده می‌شود چنانکه به هنگام مرگ اجرا می‌شود. اگر در خواب روح منتزع شده ماند همانا موت واقع شد مگر این روحی است که آنرا هوش (ظاهری) می‌گویند و جانی که بوسیله آن تنفس جاری می‌شود و نبض ها حرکت می‌کند و ناله هضم می‌شود آن دیگری است که پیش از موت نزع نمی‌شود» (موضح القرآن) بغوی از حضرت علی کرم الله وجهه نقل کرده است که «در حین خواب روح می‌برآید مگر تعلق آن به ذریعه شعاع با بدن میماند چنانچه باین وسیله حیات باطل نمی‌شود» (همچنانکه آفتاب از دوری ۹۳ میلیون میل زمین را به ذریعه شعاعها گرم نگه میکند) ازین بر می‌آید که در خواب هم همان چیز می‌برآید که در وقت موت خارج می‌شود لیکن انقطاع بطوری نیست که از موت واقع می‌شود. والله اعلم

أَمْ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ ۖ

آیا گرفته اند بدون (اذن) الله شفاعت کنندگان را

تفسیر : مشرکان راجع به بتان دعوی می‌کنند که آنها در بارگاه خداوندی شفیع ما می‌باشند و خاص از شفاعت آنها کارمادرست می‌شود از همین سبب مابه آنها عبادت میکنیم - نخست باید دانست که اگر کسی شفیع دیگری گردد لازم نمی شود که هر شفیع معبود شود ثانیاً شخصی شفیع می‌شود که از طرف خداوند برای وی اجازت شفاعت داده شود و او هم فقط در حق شخصی میتواند شفاعت کند که خداوند آنرا بپسندد - خلاصه اینکه در شفاعت ماذون بودن شفیع و مرضی بودن مشفوع در حضور حضرت الهی ضروری است - لیکن در اینجا هر دو چیز موجود نیست نه ماذون شدن بتان ثابت است و نه مرضی بودن کفار درست است - لهذا دعوی آنها غلط است .

قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ

مالك نیستند

(آیا شفاعت کنند) اگرچه

بگو

شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٣﴾

نمیدانند

و

چیزی را

تفسیر : بئان نه اختیار دارند و نه عقل بنا بران آنها را شفیع دانستن خیلی عجیب بلکه خارج از عقل است .

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا ۖ لَهُ مُلْكُ

بگو خاص الله راست (ملکیت) شفاعت همه (هرکرا خواهد اجازه دهد) مر اوراست پادشاهی

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤﴾

گردانیده میشوید

پس بسوی او

و زمین

آسمانها

تفسیر : این وقت هم در آسمان و زمین سلطنت و حکومت از حضرت اوست و در آینده هم همه مردم بسوی همان ذات متعال برمیگردند ، بنا بران کسی مجال ندارد که بدون اجازه و خوشنودی او زبان خود را بچنیاند - در موضع القرآن آمده است که : «شفاعت بحضور خداوند اجرا میشود مگر موقوف به حکم اوست نه بگفته شما - مثلاً چون مرگ فرارسد عزرائیل بگفته کسی محکوم مرگ را رهائی نمیدهد .»

وَإِذَا دُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ

منقبض گردد

تنها

الله

یاد کرده شود

و چون

قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۚ

به آخرت

ایمان ندارند

آنانکه

دلهای

وَإِذَا دُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ

بجز او تعالی هستند

آن معبودانی که

یاد کرده شوند

و چون

إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ○

آنگاه

شاد میشوند

تفسیر : اگر چه مشرك در بعض اوقات ظاهراً به عظمت و محبت خداوند اعتراف میکند لیکن قلباً از ذکر خدای یگانه خوش نمیشود . از خصوصیات این طائفه آنست که چون توصیف از باب انواع و یا معبودان باطله ایشان به میان آید از خوشی به جا مه نمی گنجند و آثار سرور بر چهره شان نمایان میگردد - افسوس که درین ایام این گونه وضعیت از بسا مسلمانانیکه به نام مسلمانند نیز به نظر میرسد یعنی هنگامیکه قدرت و عظمت خدای واحد و وسعت لامحدود علم او بیان شود بر چهره های شان آثار انقباض هویدا میگردد - و چون ذکر کدام پیر یا فقیر به میان آید و کرامات راست و دروغ به کلمات پیوده و بیمعنی بیان شود چهره های شان باز و متمسج میشود و جذبات مسرت و انبساط در دل های شان بجوش می آید بلکه بسا اوقات کسیکه «توحید خالص» را بیان میکند نزد آنها منکر اولیاء فهمیده میشود . **فالی الله تعالی المشتكى وهو المستعان**

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

بگو ای الله آفریننده آسمانها و زمین

عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ

داننده پنهان و آشکارا توئی که حکم میکنی

بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٣١﴾

میان بندگان خود در چیزی که ایشان دران اختلاف میکردند

تفسیر : وقتی که در چنین سخنان عام فهم و آسان هم مجادله ها و مناقشه ها بر پا کردند و ذره وقار و تعظیم خداوند را در دل های خود باقی نگذاشتند فقط بحضور خودت فریاد و تظلم میکنیم زیرا تنها تو این مناقشه مارا عملاً فیصله خواهی فرمود .

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ

اگر باشد برای آنانکه ظلم کردند آنچه در زمین است

جَمِيعًا وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لَا قُتْدَ وَا بِهٖ مِنْ سُوٓءٍ

همه ومانند آن به همراه آن البته فدیة خواهند کرد آنرا از سختی

الْعَذَابِ اَبِ يَوْمِ الْقِيَمَةِ ۖ وَ بَدَا لَهُم مِّن

عذاب در روز قیامت و ظاهر شود ایشان را از

اللّٰهِ مَا لَمْ يَكُوْنُوْا يَحْتَسِبُوْنَ ۝۳۹

الله آنچه گمان آنرا نداشتند

وَ بَدَا لَهُم مِّن سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوْا وَ حَاقَ

و ظاهر شود ایشانرا جزای بدیهای اعمالی که کرده بودند و احاطه کند

بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ۝۴۰

ایشان را آن عذابی که به آن استهزاء میکردند

تفسیر : چون در روز رستاخیز باین گونه اختلافات خاتمه داده میشود لذا حال آن ظالمانیکه میخواستند بذریعہ شرک از شان خدای تعالی بکاهند نهایت زبون میگردد۔ هول عذاب آنروز باندازہ است کہ اگر فرضاً تمام خزاین روی زمین و بلکه بیشتر از آن ایشان را بودی و کسی آنرا در فدیة ایشان پذیرفتی و آنان را امان دادی ایشان حاضر خواهند شد کہ آن همه را فدیہ دهند تا شاید از آن حال هولناک نجات یابند لیکن حکمت الہی مقتضی آنست کہ پاداش شرارتها و کارهای ناشایستہ کہ درد نیا کرده بودند بہ آنان داده شود۔ و درسزای اینکه بر وحدانیت الہی و دین حق خندیدند و آنرا استهزا نمودند گرفتار چنان عذاب دردناک گردند کہ هیچگاه دروهم و گمان شان ہم نگذشته بود و این عذابیکہ ایشان را فرا میگیرد همان است کہ چند روزی پیش بران تمسخر میکردند۔

فَاِذَا مَسَّ الْاِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا نَازًا

پس چون برسد انسانرا سختی میخواند مارا

تفسیر : از یاد ذاتی کہ بد میبرد بوقت مصیبت ہما نرا میخواند و از ذکر کسانی کہ مسرت ولذت حاصل می کرد آنها را فراموش می کند۔

ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا لَا يَأْتِيهِ مَالٌ كَثِيرٌ وَلَٰكِن مَّا يَصْرِفُ ۚ قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ قُلْ بَلْ يَكُونُ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا فَلَهُمْ أَفْوَاجٌ ۚ

باز چوں بدھیم اورا نعمتی از طرف خود لا قَال

إِنَّمَا أَوْتَيْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ ط

جز این نیست که داده شد و مرا این نعمت بنا برداشتی که درمن است

تفسیر : مقتضای قیاس همین است که این نعمت بمن برسد زیرا که من سزاوار آن نعمت بودم و ذرایع تحصیل آنرا میدانستم چون خداوند به استعداد و اهلیت من علم داشت باید مرا به حصول آن کامیاب می نمود و الحاصل لیاقت و عقل خود را بنظر اهمیت نگریست و فضل و قدرت الله تعالی را فراموش کرد .

بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ

(چنین نیست) بلکه (اعطای) این نعمت آزمایشی است ولیکن اکثر اشخاص

لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾

نمیدانند

تفسیر : یعنی چنین نیست بلکه این نعمت از طرف خدا امتحانی است که چون بنده بران نعمت رسد تا کدام اندازه منعم حقیقی رامیشناسد و شکر او تعالی را بجا می آورد اگر شیوه ناسپاسی را پیش گرفت همین نعمت به نقیمت مبدل گردیده و بال جانش میگردد حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «این آزمایشی است که عقل او متلاشی می شود تا آنکه بذریعه عقل خود گمراه شود در حالیکه همان عقل و دانش موجود است ناگهان آفتی نازل میشود که هیچ قوت غیر آنرا دفع کرده نمیتواند ».

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا

هر آئینه گفتند این کلمه را (که اعطای نعمت بدریعه دانش من است) آنانکه پیش از ایشان بودند پس

أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾

کسب میگردند

دفع نکرد از ایشان (عذاب) را آنچه

فَاَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا^ط
 پس رسید بایشان عقوبات آنچه کسب کردند

تفسیر : چنانکه قارون همین را اظهار کرده بود جزائیکه از طرف خداوند باو داده شد پیشتر بیان گردید .

وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ
 و آنانکه ستم کردند ازین گروه مشرکان خواهد رسید بایشان

سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا^{لا} وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ^{هـ}
 عقوبات بدیهی آن اعمالی که کرده اند و نیستند ایشان عاجز کنندگان (الله را)

تفسیر : چنانکه مجرمین گذشته به سزای کردارهای ناپسند خویش رسیدند مشرکین موجوده نیز از آن عقوبت الهی استقبال خواهند کرد . آنگاه که الله تعالی اراده کند که به آنها مجازات دهد اینها نه پنهان توانند شد و نه بکدام تدبیر دیگری او تعالی را عاجز توانند کرد تا بدان وسیله نجات یابند .

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ
 آیا (غفلت کردند) و ندانستند که الله فراخ میکند رزق را

لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ^ط إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
 برای هر که خواهد و تنگ میگرداند (برای هر که خواهد) هر آینه در این

لَا يَتْلُو^ث لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ^{هـ}
 دلائل است برای قومی که ایمان می آرند

تفسیر : در دنیا محض کسایش و تنگی روزی دلیل آن نیست که شخصی مقبول و یا مردود است و حصول روزی هم قطعاً بر عقل و ذهانت و علم و لیاقت منحصر نیست چنانچه به مشاهده رسیده و میرسد که بسا افراد بی عقل و شریر به عیش و آرام نائل اند

و بسیاری اشخاص نیک و عقل مند در فقر و فاقه بسر می‌برند ، حضرت شاه صاحب (رح) می‌نویسد که «هیچکس در بکار انداختن عقل و تدبیر کوتاهی نمی‌کند اما یکی روزی کشاده دارد و دیگری گرفتار فاقه و افلاس است - باید دانست که محض به ذریعه عقل نمیتوان روزی را بر خود کشاده نمود بلکه این تقسیم خاص از رزاق حقیقی بوده و به حکمت و مصلحت او وابسته است».

قُلْ يُعْبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ

بگو (از طرف من) ای بندگان من آنانکه زیادتى کردند بر نفسهای خود

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ

ناامید مشوید از مهربانى الله بتحقيق الله می‌آمرزد

الَّذِينَ نُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۵۳﴾

گناهان را همه (هر آئینه) اوست آمرزگار مهربان

تفسیر : این آیت مقام رفیع عفو و رحمت بی پایان حضرت ارحم الراحمین را اعلان میکند و در حق شدید ترین مریضان ما یوس العالج حکم اکسیر شفا دارد . مشرک ملحد ، زندیق ، مرتد ، یهودی ، نصرانی ، مجوسی ، مبتدع ، بد کردار ، فاسق و فاجر هر که باشد بعد از اینکه این آیت را بشنود سببی موجود نیست که از رحمت خدا مایوس شود و بکلی قطع امید کند زیرا که او تعالی سبخانه گناهان هر کرا بخواند معاف میکند و هیچکس دست او را گرفته نمی تواند بنابراین نباید بنده از رحمت حضرت او نا امید شود . اینقدر هست که در مواقع دیگر ذات اقدس الهی (ج) امر فرموده که جرم کفر و شرک را بدون توبه معاف نخواهد کرد - لهذا «ان الله یغفر الذنوب جمیعاً» را با «لمن یشاء» باید مقید دانست چنانکه حضرت اوعز و جل میفرماید : ان الله لا یغفران یشرک به ویغفر مادون ذلك لمن یشاء» (النساء رکوع ۱۸) اما ازین تقييد لازم نمی آید که الله تعالی بدون توبه هیچگناه خورد یا کلان را معاف کرده نمیتواند و نه این مطلب است که برای هیچیک جرم احتیاج به توبه نیست و بدون توبه همه گناه معاف میشود. قید فقط مشیت است راجع به مشیت در آیات دیگر و انمود کرده شد که اراده الله با کفر و شرک بدون توبه تعلق نمیگیرد چنانچه شان نزول این آیت هم بر آن دلالت داشته و از تفسیر آیت ما بعد نیز این مطلب معلوم میشود .

وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ

و رجوع کنید بسوی پروردگار خود و فرمان برداری کنید برای او پیش از آنکه

أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ ﴿٥٦﴾

بیاید به شما عذاب پس مدد کرده نشوید

تفسیر : پس ازاینکه بندگان را به نعمت آمرز گاری خویش امیدوار نمود آنانرا بسوی توبه متوجه فرمود یعنی برخطاهای گذشته خود نادم شده و از جود و کرم بی پایان الله شرم داشته راه کفر و عصیان را ترک کنید تنها به ذات اقدس او رجوع کنید و خویشتن را به او بسپارید در برابر احکام او تعالی به کمال عجز و اخلاص سر بنهید و خوب بدانید که رستگاری از هر بلا و عذاب تنها به فضل و کرم وی وابسته است. - حتی رجوع و انابت ما هم بدون فضل و کرم او میسر نمیشود - در موضح القرآن آمده است : « هنگامیکه الله تعالی اسلام را غالب فرمود کفاری که مصروف دشمنی و مخاصمت بودند فهمیدند که بیشک خدای تعالی طرفدار اسلام است اگر چه باین نکته پی برده از کارهای غلط خود پشیمان شدند لیکن از خجالت مسلمان نگشتند و تصور کردند که اگر ایمان بیارند شاید پذیرفته نشود بدان سبب بردشمنی خود ادامه دادند بر علیه اسلام جنگیدند و خون چندین خداپرستان را ریختند پس خداوند کریم فرمود که گناهی نیست که چون بنده از آن پشیمان شود و توبه کند خدای کردگار آنرا نپذیرد . ناامید مشوید بلکه توبه کنید و رجوع نمائید خداوند شمارا می بخشد - اما وقتی که عذاب نازل شد و یا مرگ به شما لاحق گردید آن زمان توبه پذیرفته نمیشود و نه در آن وقت به کسی مدد میرسد » .

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ

و پیروی کنید بهترین سخن را که نازل شده بسوی شما

مَنْ رَّبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ

از جانب پروردگار شما پیش از آنکه بیاید بشما

الْعَذَابُ بَعْثَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٧﴾

عذاب ناگهان و شما خبر دار نباشید

تفسیر : از بهترین سخن قرآن کریم مراد است یعنی هدایات کلام الهی (ج) را پیروی کنید و بیش از آنکه عذاب خداوند شمارا فراگیرد خویشتن را باین وسیله حفا ظت نمائید زیرا پس از آنکه عذاب نازل شود هیچ چاره در مقابل آن کار گر نمیشود و نه کسی را توان آنست که در آن حال اضطراب بتواند چاره بیندیشد . عذاب الهی طوری به سرعت مستولی میشود که هیچ نمیدانید از کجا در رسید و چسان پدید آمد .

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يُحَسِّرُ تَى عَلَى

(پیش از آن) که گوید نفس ای وای بر من بر

مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ

آنچه کوتاهی کردم در حق الله (هر آئینه) بودم

لَمِنَ السَّاخِرِينَ ۝۵۶

از تمسخر کنندگان

تفسیر: یعنی هوا و هوس و رسم و تقلید را پیروی کرده و در لذا ید دنیا گرفتار شده از خدا بکلی منحرف گردیدند چنانکه به دین الهی و پیغمبران او تعالی تمسخر و بر انجام هولناکی که پیغمبران از آن میترسائیدند ریشخندی میکردند و از حقیقت این چیزها انکار ورزیدند - پس کافر بروز محشر خواهد گفت «افسوس که در معرفت خدای تعالی و پذیرفتن سخن حقانی او چقدر کوتاهی کردم که در نتیجه آن امروز باین حال بد دچار شدم» - و اگر مضمون آیت در حق کفار و عصاة تعمیم داده شود «ان كنت لمن الساکرین» به معنی «عملت عمل ساخر مستهزئ» می باشد یعنی کاری کردم که استهزاء کنندگان میکردند (چنانکه ابن کثیر (رح) تفسیر نموده است).

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ

یا گوید (نفس) اگر الله هدایت میکرد مرا البته میبودم

مِنَ الْمُتَّقِينَ ۝۵۷

از متقیان

تفسیر: چون حسرت و افسوس سودی نبخشند برای خوش ساختن دل خود این عذر لنگ را پیش میکنند که «چه کنم خدا مرا هدایت نفرمود اگر او تعالی مرا براه نیک رهنمونی می کرد من هم امروز بر رتبه متقیان میرسیدم» جواب آن در آینده داده میشود «بلی قد جاءك آياتي - الایه» و ممکن است که این کلامش نه از روی اعتذار و احتجاج بلکه محض بطور اظهار یاس باشد - یعنی من از سوء استعداد لیاقت نداشتم که خداوند بذریعه هدایت مرا به منزل مقصود میرساند - اگر اهلیت و استعداد داشتمی و خدای مرا دستگیری فرمودی هر آئینه امروز من هم در زمره متقین شامل میبودم.

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنِّي

یا گوید وقتیکه بیند عذاب را کاش مرا

كَرَّهٌ فَأَكُونُ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۸﴾

رجوعی باشد (بدنیا) تاشوم از نیکو کاران

تفسیر : چون حسرت و اعتذار هر دو بی فایده ثابت میشود و عذاب دوزخ در مد نظرش مجسم میگردد از شدت اضطراب میگوید ای کاش يك بار مرا موقع باز گشت بدنیا داده شود تا خویشتن را نیکو کار ساخته بر گردم .

بَلَىٰ قَدْ جَاءَ نَكَ أَيْتِي فَكُذِّبْتُ بِهَا

(خدا فرماید چنین نیست) بلکه بتحقیق آمده بیش تو آیات من پس تکذیب کردی آنرا

وَاسْتَغْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۵۹﴾

و تکبر نمودی و بودی از کافران

تفسیر : آنچه میگوئی غلط است آیا خداوند ترا راه ننموده و به ذریعه پیغمبران به سوی تو آیات و احکام نفرستاده بود؟ مگر تو هیچیک سخن آنها را نشنیدی - هر گونه پند و نصیحت را به غرور و تکبر خود تکذیب نمودی خیال جاه طلبی تو ترا از قبول حق باز داشت - و سخن اینجاست که خداوند علیم روز ازل میدانست که از آیات حضرتش انکار میکنی و شیوه تکبر و سرکشی را اختیار می نمائی - سرشت و طبیعت تو چنان است که اگر هزار بار به سوی دنیا برگردانده شوی باز هم از حرکات نا هنجار خود باز نمی آئی «وَلوردوالعاد والمانهواعنه وانهم لکاذبون» (انعام رکوع ۳) خدای تعالی عادت ندارد که اینگونه مردم را بمقصود برساند .

وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا

و در روز قیامت می بینی آنان را که دروغ گفتند

عَلَى اللَّهِ وَجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ ﴿۶۰﴾

بر خدا که رویهای ایشان سیاه کرده شده است

تفسیر : دروغ گفتن به خدا (ج) این است که چون سخن راست از جانب خدای تعالی بیاید آنرا تکذیب کنند زیرا تکذیب کننده دجوی میکند که فلان سخن را خداوند نگفته حالانکه واقعاً آنرا گفته است - سیاهی این دروغ در روز قیامت بر چهرهای آنها طاهر خواهد شد .

أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٠﴾

آیا نیست در دوزخ جای بود و باش برای متکبران ؟

تفسیر : پیشتر در «فکذبت بها واستکبرت» توصفت کافر بیان شده است - اما درین آیت سزای تکذیب و استکبار را و انمود فرمود که در اثر دروغگوئی رویهای آنها سیاه میشود و جای بود و باش آنانیکه غرور و تکبر کردند تنها دوزخ است .

وَيُنَجِّى اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمِثْلِ أَثَمِهِمْ

و نجات دهد و نجات دهد (از جهنم) آنانرا که پرهیز کردند به همراه کامیابی ایشان

لَا يَمْسُهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾

نرسد بایشان بدی و نه ایشان اندوهگین شوند

تفسیر : الله تعالی پرهیزگاران را به طفیل فوز و سعادت ازلی به آن مقام بلند کامیابی میرساند که از هر نوع بدیهامصئون و از هر نوع فکر و غم مأمون باشند .

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى

الله آفریننده هر چیز است و او بر

كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ

هر چیز متصرف است مرا و راست کلیدهای آسمانها

وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ

و زمین و آنانکه کافر شدند بنشانهای الله

أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٣﴾

آن جماعه ایشانند زیان کاران

تفسیر : هر چیز را اوتعالی آفرید و بعد از آفریدن کفیل بقاء و حفاظت آن هم خود ش گردید و نیز بر تمام چیزهای زمین و آسمان فقط او را تصرف و اقتدار حاصل است زیرا که کلید های جمیع خزاین نزد اوست بنابراین لازم می آید که انسان از غضب او بترسد و امیدوار رحمت او باشد کفر و ایمان ، بهشت و دوزخ همه در تصرف اوست اگر کسی از سخنان او انکار کند برای وی جای رهایش و پناه گاهی نمی ماند زیرا کسی که از آن منعم بر حق ر وی بر تابد امیدوار پیروزی و نجات نمی تواند بود .

قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ عِبَادُ

بگو آیا بجز الله امر میکنید که پیروستم (آئرا)

أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ ﴿٦٤﴾

ای نادانان

تفسیر : چه حماقت و جهالتی بلند ترازین باشد که انسان خدا را گذاشته و به پرستش دیگران پردازد و چنان توقع کند که (معاذ الله) پیغمبر خدا پیروی او را نماید در بعضی روایات است که مشرکین آنحضرت (ص) را به پرستش معبودان خود دعوت کرده بودند در جواب آن این آیات نازل شد.

وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ

و (بتحقیق) وحی کرده شده بسوی تو و بسوی آنانکه

مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ

پیش از تو بودند (قسم است) که اگر شرک آوردی البته تباه شود عمل تو

وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾ بَلِ اللَّهُ

و (هر آئینه) شوی از زیان کاران (شرک ممکن) بلکه (خاص) الله را

فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٦﴾

پرستش کن و باش از حق پذیرندگان (شکر گذاران)

تفسیر : اگر از نقطه نظر عقل و دانش نگریسته شود ثابت میگردد که آفریدن و نگهداشتن تمام اشیاء و اجرای هرگونه تصرفات در آن فقط کار الله تعالی است پس بجز او دیگری مستحق عبادت نیست و اگر حیثیت نقلی در نظر گرفته شود نیز چنین نتیجه بدست می آید که تمام پیغمبران خدا و ادیان سماویه به صحت توحید و بطلان شرک متفق اند بلکه بهر پیغمبر بذریعۀ وحی و انمود کرده شده که جمیع اعمال مشرک (در آخرت) حبطه است و سر انجام شرک غیر از حرمان و خسران چیز دیگر نیست بنا بران فرض انسان است که از هر جانب صرف نظر کند و فقط خدای قدوس را پرستد و بنده شکر گذار و وفادار او گردد عظمت و جلال او را بفهمد و مخلوق عاجز و حقیر را شریک او مقرر نکند و او تعالی را چنان ذات بزرگ و برتر از هرگونه خیال و قیاس و گمان و وهم پندارد که سزاوار شان رفیع حضرت اوست .

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ

و ندانستند خدا را حق دانستن او

تفسیر : مشرکین عظمت و جلال و الوهیت و کمال او تعالی را چنانکه برای یک بنده فهمیدن و ملحوظ داشتن آن لازم است نفهمیدند و منحوط نداشتند . کسیکه در باب شان رفیع و مرتبه او یک تصور اجمالی هم داشته باشد آیا مَخَافِ عَاجِز و محتاج حتی بنان بیجان سنگی را میتواند شریک او تعالی گرداند؟ حاشا و کلا در آینده بعضی ازین شئون عظمت و جلال او بیان میشود .

وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

و زمین همه یک مشت اوست در روز قیامت

وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَنَهُ

و آسمانها بیچانیده شده باشند در دست راست او پاک است او

وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾

و برتر است از شرک ایشان

تفسیر : ذاتی که عظمت و شان او چنان باشد که در روز قیامت تمام زمین در یک مشت وی و جمیع آسمانها مانند کاغذ پچانده شده در یک دست او قرار گیرد چنان سزاوار باشد که در عبادت وی مخلوق بیجان یا عاجز و محتاج را شریک گردانند - باید دانست که خود آن شرکاء نیز در دست او مقید و محصورند حضرت اوست که آنچه خواهد به موجب اراده خود بر آنها تصرف میکند و آنها گوش یا زبان خود را قطعاً جنبانده نمیتوانند .

تنبيه : در باب «مطويات بیمینه» حاشیه آیت سوره «انبیاء» را که «یوم نطوی السماء» است باید دید - (یمین) و غیره کلمات از متشابهات است که ایمان بلا کیف بر آنها واجب است در بعض احادیث است «وکلنا یدیه یمین» (هر دو دست وی راست است) ازین حدیث تجسم تجرید و جهت و غیره نفی میشود .

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ

و دمیده شود در صور پس بیهوش گردد هر که در آسمانها

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ط

و هر که در زمین است مگر آنکه خواهد الله

ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِنَّهُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦١﴾

باز دمیده شود در آن بار دیگر پس در آنوقت ایشان ایستادگانند مینگرند (هر طرف را)

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد که «بار اول نفخ صور برای فنای عالم و بار دوم برای زنده شدن است - این نفخ سوم بعد از حشر برای بیهوش ساختن و نفخ چهارم برای هوشیار کردن است بعد از آن تمام مخلوقات بحضور خداوند پیش میشوند » «با کمی تغییر در نقل عبارت» مگر نزد اکثر علمای محقق نفخ صور فقط دو بار بعمل می آید - در مرتبه اول هوش و هواس مردمان زایل میشود سپس زندگان می میرند و کسانی که مرده بودند بر ارواح آنها کیفیت بیهوشی طاری میشود بعدها نفخه دوم دمیده میشود ، بذریعه آن ارواح مردگان بسوی ابدان برمی گردد و بیهوش شدگان با فاقه می آیند و در آن وقت منظر عجیب و غریب حیرت آور محشر را مینگرند - پس از آن بکمال سرعت بحضور خداوند قدوس حاضر کرده میشوند .

تنبيه : از «الامن شاء الله» بعضی جبرئیل، میکائیل ، اسرافیل و ملک الموت را مراد گرفته اند و بعضی بهمراه آنها حمله العرش را نیز شامل کرده اند و نزد بعضی انبیاء - شهداء مرادند و الله اعلم - بهر حال این استثناء در وقت آن نفخه می باشد بعد از آن ممکن است بر آنها هم فنا وارد شود . «لَمَنْ الْمَلِكُ الْيَوْمَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (المؤمن رکوع ۲) .

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ

و روشن شود زمین بنور پروردگار آن و نهاده شود

الْكِتَابُ وَجَاءُ بِالْنَّبِيِّنَ وَالشُّهَدَاءِ

نامه اعمال و آورده شود و پیغمبران و گواهان

وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾

و فیصله کرده شود میان بندگان بر راستی و بایشان ظلم کرده نشود

تفسیر : بعد از آن الله تعالی مناسب شان بمثال خود برای محاسبه مخلوقات نزول اجلال خواهد فرمود (کماورد فی بعض روایات الدر المنثور) در آنوقت از تجلی و نور بی کیف حق تعالی زمین محشر درخشان گردد، دفتر محاسبه باز شود و نامه های اعمال مردم پیش آنها گذاشته میشود انبیاء (ع) و گواهان دیگر بدربار او تعالی حاضر میشوند و در باب اعمال هر یکی در کمال انصاف فیصله صحیح و درست بعمل می آید و بر هیچکس هیچ نوع تعدی نمیگردد .

تنبيه : مراد از شهداء علاوه بر انبیاء و فرشتگان افراد امت محمدیه و دست و پا و اعضای انسان و غیره شده میتوانند . حضرت شاه صاحب (رح) اشخاص نیک هر امت را مراد گرفته است .

وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ

و تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است

تفسیر : در پاداش نیکی نقصانی و در جزای بدی هیچگونه زیادتیی بعمل نمی آید هر کس هر آن قدر که نیکی و بدی دارد در علم محیط خدا موحد است بر طبق آن مکافات و مجازات می یابد تفصیل آن تا یک اندازه در آینده داده میشود .

وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾

و خدا داناتر است به آنچه میکنند

تفسیر : گواهان تنها برای الزام آنها آورده میشوند ورنه از الله تعالی هیچ چیز پنهان نیست (کذا فی الموضح) .

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ

و رانده میشوند کافران بسوی دوزخ گروه گروه

تفسیر : تمام کافران را زده زده در کمال ذلت و خواری بطرف دوزخ میرانند و چون اقسام و مراتب کفر زیاد است لهذا گروه های کافران هر نوع و هر درجه علیحده کرده میشود .

حَتَّىٰ إِذَا أَجَاءُوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا

تا

چون بیایند نزد دوزخ

باز کرده شود

دروازه‌های آن

تفسیر : طوریکه دردنیا دروازهٔ محبس دایماً کشاده نیست و تنها در وقت ادخال محبوسى آنها باز میکنند و چون محکوم حبس را در آن درآرند فوراً در آنها می بندند همین طور هنگامیکه دوزخیان قریب دوزخ میرسند دروازه‌ها را باز کرده آنها را در آن میرانند و آنگاه دروازه‌ها را می بندند کما قال تعالى «عليهم نار مؤصدة» (سورة همزة).

وَقَالَ لَهُمْ خُزْ نَتِهَا

و گویند بایشان

نگهبانان دوزخ

تفسیر : فرشتگانیکه محافظ دوزخ اند این سخن را بکفار بطور ملامت میگویند .

أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ

آیا

نیامده بودند به شما

پیغمبران

از جنس شما

تفسیر : چون پیغمبران همجنس شما بودند لذا استفاضه از ایشان برای شما بسیار آسان بود .

يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ

که میخواندند

بر شما

آیات

پروردگار شما را و می ترسانیدند شما را

لِقَاءِ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ

از ملاقات

این روز شما

گویند

آری و

لیکن

حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝۷۱

متحقق شده

حکم

عذاب

بر

کافران

تفسیر : چگونه پیغمبران نیامدند؟ یقیناً آمدند و سخنان خدا را بجا گفتند و از «پیش آمد» این روز ما را بسیار زیاد ترسانیدند لیکن از بدبختی و بیخردی خود فرموده آنها را نپذیرفتیم آخر الامر تقدیر الهی که رد شدن نیست پیش روی ما آمد و حکم عذاب بر ما کافران ثابت گردید «فاعترفوا بذنبهم فسحقا لأصحاب السعير» (سورة ملك رکوع ۱ باره ۲۹).

قِيلَ ادْخُلُوا ابْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

گفته شود درآئید بدروازهای دوزخ جاویدبودگان درآن

فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾

پس بد اقامت گاه متکبران دوزخ است

تفسیر : ازسبب تکبر وجاه طلبی خودسخن خداوند را نپذیرفتید اکنون همیشه در دوزخ مانده مره آنرا بچشید .

وَسَيُقَالُ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا

ورانده شوند آنان که ترسیدند از پروردگار خود بسوی بهشت گروه گروه

تفسیر : چون مدارج ایمان و تقوی متفاوت است هر درجه از مؤمنین متقین گروه جداگانه خواهند بود و بایشان تشویق داده می شود و بسرعت بسوی بهشت برده میشوند .

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

تا چون بیایند نزد بهشت درحالیکه کشوده باشد دروازه های آن

وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ

و گویند ایشانرا خازنان بهشت سلام باد بر شما خوش باشید

فَادْخُلُوا هَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾

پس در آئید در بهشت جاویدان (پس باین اعزاز واکرام درآیند درآن)

تفسیر : چنانکه پیش از آمدن مهمانها دروازه مهمانخانه برای آنها باز گذاشته میشود همین طور وقتی که بهشتیان در آنجا میرسند دروازه های جنت را کشاده می یابند کما قال فی مواضع آخر «مفتحة لهم الابواب» (ص رکوع ۴) و فرشتگان خدا بکمال اعزاز واکرام ایشانرا به سلام و مدح پذیرائی میکنند و آنانرا بزندگانی جاویدان جنت بشارت میدهند .

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ

و گویند متقیان ستایش مرا الله راست آنکه راست گردانید با ما وعده خود را

تفسیر : خدای را شکر میگوئیم که آنهمه وعدههاییکه در دنیا از زبان انبیاء بما داده شده بود امروز بچشم خود دیدیم.

وَأَوْرَثْنَا الْأَرْضَ

وداد مارا زمین (بقسم وارث)

تفسیر : یعنی زمین جنت .

نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ

خانه میگیریم از بهشت مرجا که بخواهیم

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد « برای آنها حکم است هر جائیکه بخواهند سکونت کنند - لیکن هر کس آن جای را می طلبد که قبلاً برای وی آماده شده است » - نزد بعضی مراد این است که در جنت بغرض سیر و ملاقات هیچ ممانعت رفت و آمد نیست .

فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ ﴿٧٤﴾ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ

پس نیک مزد عمل کنندگان بهشت است و بینی فرشتگان را

حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ

گردآیندگان بدور عرش تسبیح میگویند

بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ

با حمد پروردگار خود و حکم کرده شود میان خلق براستی

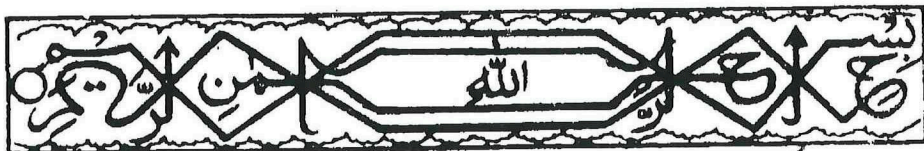
وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٥﴾

و گفته شود ستایش مر خدا بر است که پروردگار عالمان است

تفسیر : هنگامیکه حق تعالی برای حساب نزول اجلال میفرماید فرشتگان بدور عرش صف زده مصروف تسبیح و تحمید پروردگار خود میباشند ذات احکم الحاکمین میان بندگان به کمال صحت و انصاف قضاوت مینماید، در اثر آن از هر طرف بجوش و خروش تمام نعره « الحمد لله رب العالمین » بلند میگردد بمعنی اینکه (کل ستایش و خوبی خدای را سزد که پروردگار تمام عالمهاست که کار جهانی را باین خوبی و عدالت فیصله نمود) باین نعره تحسین دربار ختم میشود. عموم مفسرین این آیت را بهمین اسلوب بیان کرده اند لیکن حضرت شاه صاحب (رح) این آیت را بر «حالت حاضره» حمل کرده و ضمیر «قضی بینهم» را بسوی ملائکه راجع نموده است - چنانکه می نویسد «مطلب فیصله بین فرشتگان اینکه هر یک فرشته (در ملائعالی) قرار قاعده خود تدبیری را اظهار میکند (کما یشیر الیه اختصاص الملائعالی و تفصیله فی حجة الله البالغه) سپس الله تعالی تدبیر یکی را نافذ میفرماید و آن بر طبق حکمت اجرا میشود - این ماجرا هنوز هم جاری است و بروز قیامت نیز هست» والله تعالی اعلم بالصواب -

(تمت سورة الزمر بعون الله وتوفيقه والله الحمد)

(سورة المؤمن مکیة وهی خمس و ثمانون آية وتسع رکوعات)
(سورة المؤمن مکی و آن هشتاد و پنج آیت و نه رکوع است)



آغاز میکنم بنام خدا ای که بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

حَمِّ ١ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ

فرو فرستادن این کتاب است از الله غالب

الْعَلِيمِ ٢ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ

دانا آمرزنده گناه و قبول کننده توبه

تفسیر : بذریعه پذیرفتن توبه آدم را از گناهان چنان پاک و صاف میسازد که گویا گناهی نکرده بود بر علاوه آن توبه را یک اطاعت مستقل قرار داده و در اثر آن اجر بیکران عنایت مبفر نماید

شَدِيدِ الْعِقَابِ ٣ ذِي الطُّوْلِ ٤

سخت عقوبت کننده (کسی را که خواهد) خداوند توانائی

تفسیر : صاحب قدرت و وسعت بیحد و مالک ثروت و غناء که بر بندگان خود دائماً باران انعام و احسان میباراند -

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ٥ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ٦

نیست معبود بر حق مگر اوست بسوی اوست بازگشت

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

مجادله نمی کنند در سخنان الله مگر کافران

تفسیر : سخنان الله و علامات عظمت و قدرت او تعالی چنان متانت بیمثال دارد که در آن هیچ گنجایش مناظره نیست ، مگر کسانی که تصمیم گرفته اند که خواهی نخواهی از دلائل ساطع و براهین قاطع و سخنان واضح انکار کنند اینگونه مردم به ناحق در سخنان راست مجادله مینمایند .

فَلَا يَغْرُرُكَ تَقْلِبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ④

پس فریب ندهد ترا آملورفت ایشان در شهرها

تفسیر : سرانجام اینگونه منکران تباهی و هلاکت است - اگرچه آنها فی الحال در شهرها گشت و گذار کنند و مصروف اکل و شرب بنظر می آیند ولی نباید ازین ماجرا فریب خورد بلکه این از طرف الله تعالی امهال و استدراج است تا چند روز از لذات دنیا بهره مند شوند و به تدابیر تجارت بپردازند سپس روزی مست نشئه غفلت بوده گرفتار شوند چنانچه اقوام سابقه نیز بچنین حالت گرفتار شدند .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ

تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و جماعتی دیگر

مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرِسْوَالِهِمْ

بعد از قوم نوح و قصد کرد هر امت به پیغمبر خود

لِيَأْخُذُوا وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ

که بگیرند او را و مجادله کردند بسخنان بیسوده تا از پاد آرند به آن

الْحَقِّ فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ⑤

حق را پس گرفتار کردم ایشان را پس چگونه بود عقوبت من

تفسیر : اشرار هر امت خواستند که پیغمبران خود را گرفتار کرده یا بقتل برسانند و یا آنها را آزار بدهند و نیز بخیال خود پروا نهند که سخنان بیسوده و دروغ تراشیده دین متین صادق را از پا در آورند و صدای حق را تحت الشعاع بگیرند لیکن حیل های ایشانرا عاقل و عقیم نمودیم بلکه بسجای اینکه پیغمبران را گرفتار کنند ما آنها را گرفتار ساختیم

وسزاهای شدید دادیم - حالا بنگرید که سزای ما چطور مخوف بود و چسان بیخ و بنیاد آنها را برکنندیم - درین عصر هم چیزی از آثار این قومهای تباه شده در مقامات متفرقه موجود است که انسان از مشاهده آن تباهی آنها را میتواند تصور نماید .

وَ كَذٰلِكَ لَكَ حَقُّ كَلِمَتِ رَبِّكَ عَلٰی

و همچنان محقق گردیده حکم پروردگارتو بر

الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اِنَّهُمْ اَصْحٰبُ النَّارِ ۝۶

کافران به این که ایشان اهل دوزخ اند

تفسیر : یعنی چنانکه بر اقوام سابقه حکم ورود عذاب کاملاً بوقوع پیوسته محقق شد بر منکران موجوده هم ورود آنها یقینی بدانید - طوریکه مطابق اعلان پیغمبران عذاب دنیوی بر کافران حتماً وارد شد این فرموده رب توهم حقیقتی است ثابت شده که در آخرت هم نشیمنگاه این مردم یقیناً دوزخ می باشد .

تنبیه : بعضی «انهم اصحاب النار» را بمعنی «لأنهم» گرفته چنان بیان کرده اند که مانند منکران گذشته بر منکران موجوده هم فرموده الله راست است زیرا که اینها هم اصحاب النار می باشند .

(وقف النبی صلی الله علیه وسلم)
وقف لازم

الَّذِيْنَ يَحْمِلُوْنَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ

آنانکه بر میدارند عرش را و آنانکه گرداگرد عرش اند

يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُوْثِقُوْنَ بِهٖ

تسبیح میگویند با حمد پروردگار خود و ایمان دارند باو

وَ يَسْتَغْفِرُوْنَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۝۷

و آمرزش میخواهند برای مؤمنان

تفسیر : در آیات ماقبل احوال زبون مجرمین و منکرین بیان شده بود اکنون در مقابل آن فضل و شرف مومنان تائب را بیان میکند - یعنی حاملان عرش عظیم و طواف کنندگان بدوران ، فرشتگان بشمارند که غذای آنها فقط تسبیح و تحمید بوده و از سببی که مقربین بارگاه میباشند ایمان و یقین ایشان بدرجه اعلی است - اینها بحضور پروردگار خود برای مومنین استغفار میکنند سبحان الله - هر قدر که ازین اعزاز و اکرام بر خود ببالیم جای دارد که درباره خطاها و لغزشهایی که از مومنین سر میزند ملائکه کروبیان در بارگاه احدیت غایبانه معافی بخواهند - چون در شان آنها «و یفعلون ما یومرون» آمده است غالباً از طرف حق تعالی بر همین کار مامور خواهند بود .

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا

(گویند) ای پروردگارا احاطه نموده همه چیز را رحمت و علم تو

فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ

پس بپامرز آنان را که توبه کردند و پیروی نموده اند راه تو را

وَقِهِمُ عَذَابَ الْجَحِيمِ ⑦

و نگه دار ایشان را از عذاب دوزخ

تفسیر : این است صورت استغفار فرشتگان که الله تعالی بایشان تعلیم داده - یعنی در بارگاه احدیت چنین عرض میکنند که ای پروردگار ما! علم و رحمت تو هر چیز را احاطه نموده - پس کسیکه در علم محیط تسویدیه را ترک داده به صدق و صمیم قلب بسوی تو رجوع نماید و باتباع راه تو کوشان باشد اگر بمقتضای بشریت بعض کمزوریها و خطاها از وی سرزند خاص به فضل و رحمت خود او را معاف فرما که نه درد نیامورد مواخذه واقع شود و نه در آخرت روی دوزخ را ببیند - اما مسلمانیکه توبه و انابت نکند در اینجا مذکور نشده و این آیت درباره اوساکت است - ظاهراً چنین معلوم میشود که حاملین عرش در حق او دعا نمیکند اینک الله تعالی با آنها چه سلوک و معامله میکند به ذریعه نصوص دیگر باید فیصله نمود.

رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي

ای پروردگارا در آور ایشان را در بوستانهای اقامت که

وَعَدْتَهُمْ وََمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ

و وعده کرده بایشان و نیز هر که نیکو کار باشد از پدران ایشان

وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ ⑧

و زنان ایشان و فرزندان ایشان

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ①

هر آئینه توئی غالب با حکمت

تفسیر : اگر چه هر کس بوسیله اعمال خود به بهشت میرود (چنانکه درین موقع هم از قید «ومن صلح» ظاهر است) و بدون ایمان و صلاح خودش زن و بچه و مادر و پدر بکار نمی آیند لیکن حکمتهای تو اینطور هم است که بسبب یک نفر هم چندین نفر را نسبت به اعمال آنها بمرتبه بلندتری برسانی كما قال الله تعالی «والَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ» (طور - رکوع ۱) و اگر بنظر عمیقانه نگریسته شود حقیقتاً آن نتیجه هم شاید معاوضه کدام عمل قلبی آنها باشد مثلاً آرزو داشته باشند که ما هم رفتار همین مرد صالح را تعقیب کنیم پس این نیت و حرص نیکی بحضور الله مقبول گردد و یا یک صورت اکرام و مدارات آن مرد صالح همین باشد که به والدین و عیال و اطفال آن مرد صالح هم همان درجه داده شود.

وَقَرِّهِمُ السِّيَّاتُ وَمَنْ تَقِ السِّيَّاتِ يَوْمَئِذٍ

و نگهدار ایشان را از بدیها و هر کرا تو نگهداری از بدیها در این روز

لَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ②

بتحقیق رحم کردی بروی و همین است کامیابی بزرگ

تفسیر : در محشر هیچ بدی (چون افسردگی و پریشانی و غیره) به آنها لاحق نشود و این کامیابی عظیم ایشان را محض از مهربانی خاص تو میتوانند حاصل کرد - بعضی مفسرین از «سیئات» اعمال سیئه مراد گرفته اند یعنی در آینده آنها را از کارهای بد نگهدار و سرشت و طبیعت آنها را چنان بساز که بسوی بدی میل نکنند - ظاهر است کسیکه امروز از بدی بر کنار مانده مورد فضل و رحمت تو واقع شد و یقیناً در آخرت هم کامیابی اعلی بدست او می آید - نظر به این تفسیر ترجمه «یومئذ» باید این روز در عوض آنروز شود حضرت شاه (رح) می نویسد که «یعنی فقط از مهربانی و نوازش تو میتوانند از بدیها کناره گیرند و هیچ کس بذریعه اعمال خود خود را نگهداشته نمیتواند - زیرا هر کس کما بیش بدی دارد» این الفاظ بر هر دو تفسیر منطبق میشود.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ

(هر آئینه) آنانکه کافر شدند ندا کرده شوند که بتحقیق بیزاری الله

اَكْبَرُ مِنْ مَّقْتِكُمْ اَنْفُسُكُمْ اِذْ تُدْعَوْنَ

بزرگتر است از بیزاری شما از نفسهای تان در آن وقتی که خوانده میشدید (دردنیا)

لِیَ الْاِیْمَانِ فَتَكْفُرُوْنَ ⑩

بسوی ایمان پس کافر میشدید

تفسیر : این سخنان در قیامت به آنها گفته میشود . حضرت شاه (رح) مینویسد یعنی «امروز از نفس خود بیزار هستید و برخود لعنت میفرستید - هنگامیکه دردنیا به کفر وعصیان میپرداختید الله تعالی لعنت بیشتری بر شما میفرستاد و از حرکات شما بیزار بود - امروز نتیجه آنرا میبینید» بعضی مفسرین زمانه «مقتین» رایك چیز مراد گرفته چنین معنی کرده اند : در دنیا به کرات و مرآت به شما دعوت ایمان داده میشد و شما بار بار انکار میکردید - امروز درین وقتیکه به مجازات الهی (ج) محکوم شده اید بهر اندازه که شما از جانهای خود بیزارید الله تعالی بیشتر از آن از شما بیزار است.

قَالُوا رَبَّنَا اَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَاَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ

گویند ای پروردگار ما بمیراندی ما را دوبار و زنده گردانیدی ما را دوبار

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «اول خاک بودید و یانطفه پس مرده بودید سپس روح دمیده شده زنده گردیدید باز مردید بعد از آن باز زنده کرده شده برانگیخته شدید اینست دو موت و دو حیات» قال الله تعالی «کیف تکفرون بالله وکنتم امواتا فاحیا کم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون» (بقره رکوع ۳) بدیگر قسم هم تفسیر شده لیکن واضحتر همین است .

فَاَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا

پس اقرار کردیم بگناهان خود

تفسیر : یعنی انکار میکردیم که بعد از مردن دوباره زندگی نیست نه حساب و نه کتاب و نه کدام قضیه دیگر - از همین سبب بر گناهان و شرارت هاجرات میکردیم - اکنون به چشم خود دیدیم که مثلثیکه بعد از مرگ اولی ما را زنده کردی و از عدم بر آورده ما را بوجود آوردی بعد از موت دومین هم بر طبق ارشاد پیغمبران بما دوباره زندگی بخشیدی - تمام آن مناظر بعث بعد الموت که ما از آن انکار میکردیم امروز پیش چشمان ماست و جز این چاره نیست که بغلطیها و خطاهای خود اعتراف نمائیم .

فَهَلْ اِلٰی خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ ⑪

پس آیا هست بسوی بیرون آمدن راهی

تفسیر : افسوس اکنون ظاهراً هیچ راه بنظر نمی آید که ازینجا خلاص شویم و بگریزیم - البته خودت قادر هستی که جائیکه دو مرتبه موت و حیات بما دادی بار سوم هم مارا واپس بسوی دنیا بفرستی تا درین بازار آنجانیکی های زیاد بدست آورده برگردیم .

ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ

(از طرف خدا به آنها گفته میشود) این عذاب بسبب آنست که چون یاد کرده میشد الله به یگانگی

كَفَرْتُمْ ۚ وَإِنْ يُشْرِكْ بِهِ تُؤْمِنُوا ۖ

انکار میکردید و چون شرک باو کرده میشد باور میداشتید

فَاحْكُم بِلِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ۝۱۳

اکنون احکم مرا لله بلندقدر بزرگ راست

تفسیر : اکنون صورت ندارد که پس به دنیا فرستاده شوید - حالا در اثر اعمال گذشته خود حتماً دچار مجازات میگردید این فیصله هلاکت ابدی در حق شما از سببی شده است که شما در مقابل این دعوت که حق تعالی ذات یگانه و یکتاست گاهی گوش ننهادید و دائماً از ذات او و یا وحدانیتش انکار کردید بلی اگر کسی شمارا بسوی خدای باطل دعوت میداد فوراً آمنا و صدقنا گفته پیروی می نمودید ازین واقعه سرشت و طبیعت شما به خوبی اندازه میشود که اگر هزار بار هم دنیا رجعت داده شوید همین کفر و شرک را کسب کرده پس می آئید - بنابراین امروز مجازات صحیح جرم شما همین حبس دوا م است که از محکمه عدالت عالیّه آن خدای کبیر صادر شده است و در هیچ جای مرافعه آن امکان ندارد و آرزوی تخلص از آن بکلی عبث است .

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ

اوست آنکه مینماید به شما نشانهای خود را و فرو میفرستد برای شما

مِّنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ ۝۱۴

از آسمان رزق را و نمیداند (این را) مگر آنکه رجوع میکند بالله

تفسیر : آثار عظمت و وحدانیت او در هر چیز ظاهر است - اگر انسان فقط همین يك مسئله روزی خود را بفهمد که سر رشته آن دائماً از آسمان میشود هر چیز دیگر را به آسانی فهمیده میتواند لیکن مادامیکه بدان طرف رجوع نباشد و غور و فکر بکار برده نشود چنان فهم و ادراک حاصل تواند شد .

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

پس عبادت کنید الله را در حالی که خالص کنندگان باشید برای او عبادت را

وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿١٤﴾

اگر چه بد بدانند کافران

تفسیر : بندگان باید از فسم و دانش کار گیرند و فقط بسوی خدای واحد رجوع کرده
اورا بخوانند و در بندگی وی کسی را شریک نگردانند - بیشک کافران و مشرکان
ازین عمل و روش موحدانۀ بندگان مخلص بد میبرند که چسان از همه ارباب انواع
صرف نظر نموده تنها يك خدا را پذیرفته اند - لیکن موحد راسخ و پخته همان است
که در مجمع مشرکین نعرۀ توحید بلند کند و از بد بردن آنها نیاندیشد .

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي

(اوست) بلند کننده درجات مالک عرش فرو میفرستد

الْطُّرُوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

سخن راز از حکم خود بر هر که خواهد از بندگان خود

تفسیر : مراد از سخن راز وحی است که اولاً بر انبیاء علیهم السلام نازل میشود و
سپس بذریعۀ آنها به دیگر بندگان میرسد - چنانچه تا قیامت همینطور رسیده میرود.

لَيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٥﴾

تا بترساند (آن بنده) از روز ملاقات

تفسیر : مراد از روز ملاقات روزی است که تمام مخلوقات اولین و آخرین یکجا بحضور
الله تعالی حاضر کرده میشوند و هر شخص با اعمال نیک و یا بد ملاقات میکند .

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ

روزی که ایشان بیرون آیندگان اند

تفسیر : یعنی از قبرها برآمده در يك میدان هموار حاضر میشوند و در آنجا هیچ سد
و یا کوه حائل نمی باشد .

لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ط

پوشیده نباشد بر الله از ایشان چیزی

تفسیر : نیک بدانید که بدر بار آن احکم الحاکمین ذاتیکه برو هیچ حالت شما پوشیده نیست حاضر شدنی هستید و تمام احوال ظاهر و باطن شما آشکارا بشما گذاشته میشود .

لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۱۶

(الله فرماید) گراست پادشاهی امروز (خود فرماید) مرا الله یگانه غالب راست

تفسیر : دران روز تمام وسائط و حجاب ها برداشته میشود به شکل ظاهری و مجازی هم پادشاهی کسی باقی نمی ماند فقط پادشاهی مخصوص همان شهنشاه مطلق یگانه میباشد در مقابل آن تمام قوتها مضحل و مقهور می باشد .

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ط

امروز جزا داده میشود هر نفس را بحسب آنچه کرده است

لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۱۷

هیچ ستم نیست امروز هر آئینه الله زود گیرنده حساب است

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ

و ترسان ایشان را از روز زود آمدنی آنگاه دلها برسد

لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ ط

نزد گلوها در حالیکه فرو برندگان غم باشند

تفسیر : دلها از فرط خوف و پریشانی تبیده و چپیده تابه گلو میرسند و مردم با دو دست خود گلوی خویش را خواهند فشرد که مبادا بهمراه نفس دلهای شان بیرون بجهد .

مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَسِيمٍ وَلَا شَفِيعٌ يُطَاعُ ۝۱۸

نیست ستمگاران را هیچ دوستی و نه شفاعت کننده که سخن او پذیرفته شود
تفسیر : شفاعت کننده نخواهد بود که سخن او حتماً پذیرفته شود کسی به شفاعت خواهد پرداخت که باو اجازه باشد فقط در حق کسی شفاعت کرده شود که برای او رضای الهی (ج) باشد .

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي

میداند خدا نگاه‌های دزدیده چشمها را و آنچه را که پنهان میدارند

الصُّدُورِ ۝۱۹ وَاللَّهُ يَقْضِي بِلَا حَقِّ ط

سینه‌ها و الله حکم میکند بحق

تفسیر : چون پنهان از مردم به کسی دزدیده نگاهی کند و یا بگوشه چشم بیندویانیتی در دل بروراند و یا در باره چیزی اراده و یا خیالی نماید این همه را الله تعالی میداند و بانصاف فیصله میکند .

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ

و آنانرا که می‌پرستند بجز خدا فیصله نمیکند

بِشَيْءٍ ۝۲۰ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝۲۱

چیزی را (هر آئینه) الله همون است شنوا بینا

تفسیر : فیصله و قضاوت کنار ذاتی است که شنوا و بینا باشد - پس این بتان بیجان و سنگی که شما آنها خدا میخوانید هیچ فیصله کردد نمیتوانند - بنابراین چیزی که به فیصله قادر نباشد چگونه خدا تواند شد ؟

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

آیا نرفته‌اند در زمین تأمید ندارند

كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا

که چگونه شد انجام آنانکه بودند

مَنْ قَبْلِهِمْ ۖ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۚ

پیش از ایشان بودند ایشان سخت تر از ایشان از روی قوت

وَأَنَّا نَارًا فِي الْأَرْضِ

و نشانیمها در زمین

تفسیر : یعنی مردمانیکه قلعه های مستحکم ، عمارات عظیم البنیه و یادگار های متنوع از خود باقی گذاشتند .

فَاَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۚ وَمَا كَانَ لَهُمُ

پس گرفت ایشانرا الله بسبب گناهان ایشان و نیست ایشانرا

مِّنَ اللَّهِ مِنْ وَّاقٍ ۝۲۱

از (عذاب) الله هیچ منع کننده

تفسیر : چون کسی آنان را از عذاب دنیا نجات داده نتوانست از عذاب آخرت چسان دستگیری خواهد داد .

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ

این (گرفت) بسبب آن است که می آمدند بایشان پیغمبران آنان

بِأَلْبَيْتٍ فَكُفِّرُوا ۖ وَافَاخَذَ اللَّهُ

با نشانه ها پس کافر شدند پس گرفتار کرد ایشانرا الله

إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۲۲

به تحقیق الله قوی سخت عقوبت است

تفسیر: اگر شما هم مانند آنها پیغمبر را تکذیب نمودید نجات یافته نمیتوانید، بالاخر رسوا و هلاک میشوید. و خداوند قنوس بزور و قوت خود پیغمبر را غالب و منصور خواهد فرمود به همین مناسبت در آتی قصه موسی و فرعون بیان میشود.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا

و (قسم است) به تحقیق فرستادیم موسی را بانسانهای خویش

و سُلْطٰنٍ مُّبِينٍ ۝۳۰

و حجت ظاهر

تفسیر: از «نشانه‌ها» معجزات و از «حجت ظاهر» شاید معجزات مخصوص و ممتاز مراد باشد و یا «حجت ظاهر» غیر از معجزات عبارت باشد از دیگر نوع دلایل و براهین یا از «آیات» تعلیمات و احکام و از «سلطان مبین» معجزات مراد گرفته شود یا «سلطان مبین» نام آن قوت قدسیه و تائید مخصوص ربانی باشد که آثار آن در ذات پیغمبران برای هر بیننده نمایان بنظر می آید - والله اعلم.

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَقَارُونَ

بسوی فرعون و هامان و قارون

تفسیر: هامان وزیر فرعون بود و قارون متمول ترین و بزرگترین تاجر بنی اسرائیل بوده برخلاف موسی (ع) موافق مرضی فرعون رفتار میکرد - قصه او پیشتر گذشته.

فَقَالُوا سِحْرٌ كَذَّابٌ ۝۳۱

پس گفتند جادوگر دروغگوی است

تفسیر: از حیث نشان دادن معجزات جادوگر است و در دعوی رسالت دروغگوی، شاید بعض نفری این را اظهار کرده باشد و دیگران آنرا تصدیق نموده اند.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآلِ حَقٍّ مِنْ عِنْدِنَا

پس چون آورد بایشان حق را از نزد ما

قَالُوا قَتَلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

گفتند بکشید پسران آنانی را که ایمان آوردند همراه او

وَأَسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ ط

و زنده گذارید زنان (دختران) شانرا

تفسیر: بعد از اینکه موسی (ع) مرتبه دوم تشریف آورد این حکم را فرعون و اراکین او صادر نمودند تا بنی اسرائیل را تذلیل و توهین کنند، از تعداد آنها بکاهند و در دل آنها این خیال را متمرکز سازند که آنها بواسطه موسی (ع) مورد تمام این مصائب و نوائب واقع شدند. از سبب تو لیداین خیال مردم رفاقت موسی را ترك خواهند گفت - و به تجویز دهمشت افکنی و تخویف کاهیب خواهند شد - نمیتوان گفت که این حکم اجرا شد یا نه.

وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ٢٥

و نیست حيله سازى كافران مگر در تباهى

تفسیر: ازین سازش ها و تدابیر هیچ برنمی آید الله تعالی بوسیله امداد به بنندگان مخلص خود تمام نصب العین کافران را برباد میدهد.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذُرُونِي أَقْتُلْ

و گفت فرعون بگذارید مرا تا بکشم

مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ ط

موسى را و باید که بخواند پروردگار خود را (بامداد خود)

تفسیر: حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «فرعون گفته بود که مرا بگذارید شاید اراکین سلطنت او مشوره قتل را نمیدادند زیرا از مشاهده معجزات ترسیده بودند که مبادا رب او انتقام بگیرد» مزید بر آن خود فرعون هم بدل ترسان و مرعوب شده بود لیکن بغرض اینکه بمردم قوت و شجاعت خود را اظهار کند از انتهای شقاوت و بی حیائی خود این چنان لاف زد تا مردم بدانند که هیچ خوف و هراس او را از اصدار حکم قتل مانع نیست و اراده او را هیچ قوت بازداشتنه نمیتواند.

إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ

(زیرا) من میترسم از آنکه بدل کند دین شمارا

أَوْ أَنْ يُّظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾

یا ظاهر سازد در زمین فساد را

تفسیر : اگر او را زنده گذاشتیم میترسم که هم نقصان دینی به شما برسد و هم زیان دنیوی - امکان دارد که این شخص همه عادات و اعمال سابقه دینی شما را تبدیل و تخریب نماید و یا دام سازش و غیره را گسترانیده در سر تاسر مملکت امن و نظام را مختل سازد و در نتیجه حکومت شما (یعنی قبطی ها) بباد فنا رود و ملک تحت سلطه بنی اسرائیل در آید .

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي

و گفت موسی (هر آئینه) من پناه بردم به پروردگار خود

وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ

و پروردگار شما از هر متکبری

تفسیر : چون موسی (ع) از مشوره های آنها آکپی یافت ، به قوم خود فرمود که «من این تهدیدات را قطعاً بخیال نمی آورم یک شخص فرعون چیست اگر متکبرین و جبارین تمام دنیا یکجا جمع شوند باز هم پروردگار من و شما کافی است که از شر آنها نجات دهد - من خود را فقط به پناه اوسپرده ام همان ذات تعالی حامی و مدد گار من است »
 کما قال تعالی «لَا تَخَافَاَنِي مَعَكُمْ اَسْمَعُ وَاَرَىٰ» (طه - رکوع ۲) بنابراین چون حمایت و امداد اوتعالی حاصل باشد از انسان غرور و متکبر چه خوف خواهد بود .

لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾

که ایمان نمی آرد بروز حساب

تفسیر : حضرت شاه صاحب مینویسد «کسیکه به حساب روز رستاخیز یقین دارد چگونه به ظلم اقدام میکند » .

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ

و گفت مرد مومن از اقارب فرعون

يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ

که پنهان میداشت ایمان خود را آیا میکشید مردی را بسبب آنکه میگوید

رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

پروردگار من خداست حالانکه (به تحقیق) آوردداست بشما نشانیهای روشن

مِنْ رَبِّكُمْ ۚ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ

از پروردگار شما و اگر باشد دروغگوی پس بروی است

كَذِبُهُ ۚ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ

(و بآل) دروغگوئی و اگر باشد صادق برسد بر شما

بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ ط

بعضی از آنچه وعده میکند بر شما

تفسیر : يك مرد مؤمنیکه از فرعون و قوم وی ایمان خود را تاهنوز مخفی داشته بود۔ در جواب «ذرونی اَقتل موسی» بر خاست و گفت «ایا میخواهید خون يك مرد را ناحق بریزانید فقط برین سخنیکه او خدای یگانه را چرا رب خود میگوید ؟ حالانیکه او در باب صداقت دعوی خود نشانیهای واضح به شما وانمود کرده است و هیچ حاجت به قتل او ندارید بلکه ممکن است برای شما مضر تمام شود ۔ فرصت کنید که او در دعوی خود دروغگوی ثابت شود الله تعالی او را برین دروغ کلان او حتما هلاک و یا رسوا خواهد کرد ۔ عادت خدا نیست که چنین کاذب را ترفی بخشاید ، بغرض اینکه دنیا را از التباس نگهدارد یکروز راز او را یقیناً فاش خواهد نمود و چنان حالات بروی کار آید که دنیا رسوائی ۔ ناکامی ۔ دروغ او را علناً تماشا خواهد کرد و به شما هیچ ضرورت نماند که از خون او خواه میخواه دستهای خود را آلوده کنید ۔ و اگر واقعاً او برحق است يك قسمت از آن عذاب دنیا و آخرت که او مکذبین را از آن میترساند یقیناً حصه از آن به شما خواهد رسید ۔ لهذا در حصه اول الذکر در قتل او حاجت به تعجیل نیست و در صورت آخر الذکر قتل او کلیتاً به نقصان و خسران تمام میشود ۔ حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد که یعنی اگر دروغگوی است همان ذاتیکه برو دروغ می بندد خودش باو سزا میدهد ، و اگر راستگوی باشد شما باید فکر خود را بکنید ، تنبیه : این تقریر در صورتی است که کذب شخص مفتری صریحاً به منصفه شهود نیامده باشد و اگر کذب و افترای مدعی نبوت از دلائل و براهین روشن گردد بلا شبهه واجب القتل است ۔ درین زمانه که خاتم النبیین بودن پیغمبر عربی (ص) از دلائل قطعیه ثابت شده اگر شخصی دعوی نبوت کند چون این دعوی اولیک عقیده قطعی الثبوت و اتکذیب میکند لهذا درباره او هیچ گنجایش تأمل و تردد یا امیال و انتظارات نیست ۔

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٣٨﴾

به تحقیق الله راه نمی نماید کسی را که او هست از حد گذرنده دروغگوی

تفسیر : فرضاً اگر موسی دروغگوی می بود خدای او باو هرگز راه نمیداد که اینگونه معجزات را نشان داده برود و بسر منزل کامیابی برسد - و اگر خود شما دروغگوی باشید باینکه يك شخص راستگو را دروغگوی میخوانید بالاخر خدای تعالی شما را ذلیل و ناکام خواهد کرد .

يَقُومُ لَكُمْ الْهَلَكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي

ای قوم من امروز شما را است پادشاهی در حالیکه غلبه کنندگانید در

الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُهُ نَأْمِنْ بِأَسِ اللَّهِ

زمین پس که نصرت دهد ما را از عذاب الله

إِنْ جَاءَنَا

اگر بیاید ما

تفسیر : بساز و سامان و لشکرهای خود غره مشوید - امروز جاه و جلال - قوت - حشمت دارید لیکن اگر فردا عذاب خدا شما را فرا گرفت هیچ نجات دهنده نخواهید یافت و تمام این تجهیزات و قوت بیکار ثابت خواهد شد.

قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى

گفت فرعون تصویب نمیکنم برای شما مگر آنچه را که میدانم

وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٣٩﴾

و نشان نمیدهم بشما مگر راه هدایت

تفسیر : نظریه من باظهارات شما تبدیل نشده چیزی را که من دران مصلحت دیدم بشما وانمود میکنم به رأی من راه بهتر همین است که کار این شخص را در قدم اول ختم نموده زندگانی او را خاتمه دهیم .

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَوْمَ إِنَّنِي أَخَافُ

و گفت همان شخصی که ایمان آورده بود ای قوم من (هر آینه) من می ترسم

عَلَيْكُمْ مِّثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۝۳۰ مِثْلَ

بشما از مانند (واقعات) روز امم گذشته مانند

ذَٰلِكَ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ

حال قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه

مِنْ بَعْدِهِمْ ۖ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلَمًا لِلْعِبَادِ ۝۳۱

بعد از ایشان بودند و نیست الله که اراده کند ستمی را بر بندگان

تفسیر : اگر همین طور تکذیب و عداوت خود را ادامه دادید اندیشه و خوف است که شما هم دچار همچو روز بد شوید که اقوام سابقه در اثر مجادله و مقابله با نبیای خود به آن گرفتار شدند بدانید که الله بهیچ صورت بی انصاف نیست - اگر او تعالی شما را و یا اقوام دیگر را از سبب چنین جنایات سنگین هلاک ساخت عین تقاضای عدل و انصاف می باشد - کدام حکومت است که قتل و رسوائی سفرای خود را دیده از قاتلین و معاندین انتقام نگیرد.

وَقَالَ يَوْمَ إِنَّنِي أَخَافُ عَلَيْكُمْ

و ای قوم من هر آینه من می ترسم بر شما

يَوْمَ التَّنَادِ ۝۳۲

از روز ندای یکی بدیگری

تفسیر : عموم مفسرین از « يوم التناد » (روز ندای یکی بدیگری) روز قیامت را مراد می گیرند و قتیکه همه مردم برای جمع شدن و حساب دادن در محشر خوانده میشوند و اهل جنت و اهل دوزخ و اهل اعراف یکدیگر را صدا خواهند کرد و بالاخر ندا خواهد آمد « یا اهل الجنة خلود لا موت » و « یا اهل النار خلود لا موت » که در حدیث - لیکن حضرت شاه صاحب

(رح) از «یوم التناد» روزی را مراد گرفته است که در آن بر فرعونیان عذاب نازل شد - چنانچه مینویسند « که روز فریاد برایشان وارد شد که در بحر قلزم غرق گردیدند در هنگام غرق شدن تمام نفری يك دیگر را صدا میکردند - شاید آن مرد مومن بذریعه کشف معلوم کرده باشد و یا ازین قیاس که بر هر قوم ، عذاب همین طور وارد میشود » .

يَوْمَ تَوَلَّوْنَ مُدْبِرِينَ ج

روزی که روی بگردانید (از موقف) بازگشتگان

تفسیر : از محشر پشت گشتانده بسوی دوزخ روانه میشوید و یا هنگام نزول عذاب برای فرار کوشش ناکام خواهید کرد .

مَا لَكُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ج وَ مِّنْ

نیست شمارا از الله هیچ نگه دارنده و هرگز

يُضِلُّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ٣٣

گمراه سازد الله پس نیست او را هیچ رهنما

تفسیر : تمام نشیب و فراز را بشمعیان نمودم با اینهمه اگر شما قبول نکنید بدانید که از شامت، عناد و کجروی شما اراده الله تعالی باین رفته که شمارا در خطا و ضلال منتخبه شما بگذارد پس از چنین شخصی نمی توان توقع دانش نمود .

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِاَلْبَيِّنَاتِ

و (هر آینه) آمده بود بشما یوسف پیش ازین بانشانه های روشن

فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِّمَّا جَاءَكُمْ بِهِ ط

پس همیشه بودید در شك از آنچه آورده بود نزد شما آنرا

حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ

تا آن گاه که ببرد گفتید هرگز نخواهد فرستاد الله

مِنْ بَعْدِ ۱ رَسُوْلًا ط

بعد از وی

پیغمبری را

تفسیر : اظهار کردید که قصه تمام شد نه او پیغمبر بود و نه اکنون بعد از او کدام پیغمبری آمدنی است - گویا از ابتداء سلسله رسالت را انکار کردید - لیکن حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد که «اهالی مصر در حیات حضرت یوسف (ع) به نیبوت او قائل نشدند - بعد از وفات وی چون سر رشته سلطنت مصر رو بخرابی نهاد اظهار کردند که قدم یوسف درین شهر نهایت مبارک بود در آینده متأسفانه همچو نبی نخواهد آمد - یا آن انکار و یا اکنون این اقرار این است اسراف و پرگوئی « مدعای مرد مؤمن این بود که قدر نعمت بعد از زوال آن شناخته میشود و شما فعلاً موسی (ع) را قادر نمیکند .

كَذٰلِكَ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هُوَ مَسْرُوفٌ

همچنین گمراه میکند الله هر که او بیباک

مَّرْتَابٌ ۳۴ الَّذِيْنَ يُّجَادِلُوْنَ

شک آورنده است (گمراه میکند خدا) آنانرا که جدال میکنند

فِيْٓ اٰیٰتِ اللّٰهِ يَغۡیۡرُ سُلۡطٰنِ اَتۡهَمۡ ط

در آیات خدا بغیر کدام سندی که آمده باشد با ایشان

كَبُرَ مَقۡتًا عِنۡدَ اللّٰهِ وَ عِنۡدَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ط

سخت بیزاری (ناپسند) است این مکابره ایشان نزد خدا و نزد ایمان آوردند

تفسیر : چه دشمنی و بیباکی بزرگتر از این باشد که بدون حجت عقیده و سند نقلیه در سخنان خدای منان مجادله میکنند ؟ از همین سبب خدا ازینگونه مردم سخت بیزار است و بندگان مؤمن خدا نیز از ایشان نفرت دارند ! زیرا همین عمل ایشان سبب ملعونیت انتهائی آنهاست .

كَذٰلِكَ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هُوَ مَسْرُوفٌ

همچنین گمراه میکند الله بر هر می نهی دل

مُتَكَبِّرٌ ۙ جَبَّارٌ ۝۳۵

متکبر سرکش

تفسیر : کسانی که از روی تکبر و سرکشی در مقابل حق سر تسلیم خم نکنند و از استماع ارشادات پیغمبران عبرت نگیرند بالاخر الله تعالی به دلهای آنها چنان مهر می نهد که پس از آن هیچ گنجایش قبول حق و نفوذ خیر در آن نمی ماند .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يٰٓهَآءُ اٰبَنِىۤ اِلٰى صِرْحًا

و گفت فرعون ای هاهان بناکن برای من قصر بلند

لَعَلَّىۤ اَبْلُغُ ۤالْاَسْبَابَ ۝۳۶

شاید برسم باین راهای

السَّمٰوٰتِ فَاٰتٰلِیۤهٗ مُوْسٰی

آسمانها را پس بنگرم بسوی معبود موسی

تفسیر : این بود کمال بی حیائی و بی باکی آن ملعون-شاید در علوصفات خداوندی از حضرت موسی (ع) سخنی شنیده چنان فهمیده باشد که خدای موسی بر آسمان می باشد-بنابران باین استهزاء و تمسخر پرداخت، راست است که میگویند چون مرگ مورچه فرارسد بال می کشد . تفصیل این موضوع در سوره قصص گذشته .

وَ اِنِّیۤ اَظُنُّهُ کَاذِبًا ۝۳۷

و (هر آئینه) من می پندارم موسی را دروغگوی

تفسیر : یعنی موسی (ع) هم در دعای رسالت دروغگوی است و هم درین دعوی که میگوید معبود کل جهان معبود دیگر است، من بجز خودم معبود دیگری را نمیدانم کما قال «ما علمت لکم من اله غیرى» (قصص-رکوع ۴) .

وَكٰذٰلِكَ زُیِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوۤءُ عَمَلِهٖ

و همچنین (مثل تزئین این گفتار) زینت داده شد برای فرعون عمل بد او

وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ ط

راه راست

و باز داشته شد از

تفسیر : همین طور به ادامه کار های بد ، عقل انسان عاقل و بیکار میگردد و همچنین حرکات خنده آور بعمل می آرد ، بعد از آن هیچ صورت باقی نمی ماند که باز براه بیاید فرعون رانیز این حال بود .

وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ع

ع ۳۷

و نیست مکر فرعون مگر در تباهی

تفسیر : فرعون بموسی هیچ ضرر رسانده ، نتوانست بلکه تمام حيله ها و منصوبه ها یا مشوره های او بی حقیقت و بی سود بوده به تباهی خودش منجر شد .

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَوْمَ اتَّبَعُونِ

و گفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم من پیروی کنید مرا

أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ج

ج ۳۸

صواب

براه

نابرسانم شمارا

تفسیر : چون فرعون گفته بود «وما اهدیکم الاسبیل الرشاد» مرد مؤمن در جواب او گفت که «سبیل الرشاد» (راه نیکوئی و بهتری) آن نیست که فرعون تجویز میکند شما بدنبال من بیائید تاراه نیک نصیب شما شود .

يَقَوْمِ إِنَّمَا هِيَ إِحْيَاؤُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ ز

ای قوم من جز این نیست که این زندگانی دنیا اندک بهره (فانی شدنی) است

وَأَنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ح

ح ۳۹

جاویدان

سرای

همون است

سرای آخرت

(و هر آینه)

تفسیر : به سبب گرفتاری زندگی فانی و زائل و عیش و عشرت چندروزه آخرت را فراموش نکنید زندگی دنیا خواه به آسودگی باشد و یا به درماندگی بهر حال گذشتنی است - بعد از آن حیاتی شروع میشود که گاهی ختم نمیکردد . کار عقلمند این است که هنگام زیستن در دنیا بفکر اصلاح آن شود ورنه بزحمت و مجازات جاوید دچار میگردد .

مَنْ عَمَلْ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا

هر که کند بدی پس جزاء داده نمیشود باو مگر برابر آن

وَمَنْ عَمَلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

و هر که کند نیکوئی مرد باشد یا زن

وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ

در حالی که مومن بود پس آن گروه در آیند

الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝۳

در بهشت در حالی که رزق داده میشود ایشانرا در آن بيشمار

تفسیر : درین آیت زندگی اخروی را اندک شرح داد که اصلاح آن چگونه صورت میپذیرد ازین برمی آید که در آنجا ایمان و عمل صالح در کار است و مال و متاع راهیچ ارزشی نیست و نیز معلوم گردید که رحمت الهی (ج) بر غضب او غالب است پس شخص هوشمند نباید موقع را از دست بدهد .

وَيُقَوِّم مَّا لِيَ أَذْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَةِ

و ای قوم من چیست مرا که دعوت میکنم شمارا بسوی نجات

وَتَدْعُو نَنِّي إِلَى النَّارِ ۝۴۱

و دعوت میکنید مرا بسوی دوزخ

(النصف)

تفسیر : معامله ما و شما يك امر عجیب است - من میخواهم که شمارا براه ایمان آورده از عذاب خدا نجات بخشم و کوشش شما این است که مرا نیز همراه خویش در آتش دوزخ بیفکنید - از یکطرف چنان خیر خواهی و دلسوزی از جانب دیگر چنین کینه و دشمنی ؟

تَدْعُو نَنِّي لَا كُفْرًا بِلَّهِ وَأُشْرِك

میخوانید مرا باینکه کافر شوم به الله و شریک سازم

بِه مَالَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ

باو چیزی را که نیست مرا به (معبودیت) آن علم

تفسیر : حاصل کوشش شما این است که من (معاذ الله) از خدای واحد انکار نمایم پیغمبران او و سخنان ایشان را قبول نکنم و مانند پیخردان چیزهایی را معبود پندارم که الوهیت آنها به هیچ دلیل و اصول علمی ثابت نمیشود و نه آگهی دارم که چگونه این چیزها خدا ساخته شده اند . حالانکه نیک میدانم که برخلاف آن دلائل قطعیه موجود است .

وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٢﴾

و من میخوانم شمارا بسوی ذات غالب آمرزگار

تفسیر : مقصد من این است که بطریقی سرنیاز شمارا به آستان آن خدای واحد خم نمایم که هم نهایت زبردست است و هم آمرزنده خطاهای بیشمار می باشد (اگر مجرم را مواخذه نماید کسی او را رها نمیدهد نتواند اگر معاف فرماید کسی او را ازین کار باز داشته نتواند) همان ذات برحق مستحق آن است که انسان از خوف ورجا بحضور او سر عبودیت خود را خم کند . بدانید که من در پناه همان خدا آمده ام که بسوی او شمارا دعوت میدهم .

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُوَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ

محقق است چیزی که میخوانید مرا بسوی آن نیست آن چیز را

دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ

دعوتی در دنیا و نه در آخرت

تفسیر : بجز خدا دیگری نیست که در دنیا و یا آخرت ادنی ترین نفع و ضرر را مالک باشد پس مردم را به بندگی و غلامی آن چیز حقیر دعوت دادن منتهای جهل و حماقت است «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ الْيَوْمَ الْقِيَمَةُ وَهُمْ عَنْ دَعَاءِهِمْ غَافِلُونَ وَ إِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَ كَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ» (احقاف - رکوع ۱) انسان بچه دلیل و سند مردم را بسوی چنین چیزهای عاجز و ناتوان دعوت بدهد ؟ طرفه تر آنکه در بین این معبودان بسی حقیقت بسا چیزهاست که خود آنها بطرف خود دعوت نمیدهند بلکه قدرت دعوت دادن را هم ندارند .

وَأَنْتَ مَرَدُّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنْتَ الْمُسْرِفِينَ

(و محقق است) که (هر آئینه) باز گشت ما به سوی الله است و بدرستیکه از حد گذرندگان

هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ④۳

ایشانند رفیقان دوزخ

تفسیر : بالاخر خواهی نخواهی بازگشت همه بسوی همان خدای واحد است چون در آنجا رسند هر کس نتیجه عدوان و بیباکی خود را خواهد دید - اکنون خوب بیندیش که چه زیاده روی و از حد گذشتن ازین بیشتر باشد که درجه خالق به مخلوق عاجزی داده شود .

فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ ط

پس بزودی یاد میکنید آنچه میگویم بشما

تفسیر : چون در آینده مره زیاده روی های خود را چشیدید - نصیحت مرا بیاد خواهید آورد که آن مرد خدا که بما اخطار میکرد می فهمانید درست میگفت - لیکن در آن وقت پشیمانی سودی نخواهد بخشید .

وَأَفْوَضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ط

و می سپارم کار خود را به الله

إِنَّ اللَّهَ بِصِيرٍ يَا عِبَادِ ④۴

هر آئینه الله بیناست به بندگان خود

تفسیر : من حجت خدا را با تمام رساندم و نصیحت خود را فهماندم - اگر شما قبول نمیکنید باشما سروکاری ندارم. اکنون خود را کلیتاً بخدا (ج) می سپارم . بر همان ذات اعتماد و توکل دارم - اگر شما قصد ایذای من کردید همان خدا حامی و مددگار من است - همه بندگان در نگاه محیط او هستند او تعالی رفتار و کردار من و شما هر دو رامیبیند هیچ حرکت و کردار کسی از او پوشیده نیست - کار مؤمن قانت اینست که بعد از بعمل آوردن سعی امکانی خویش نتیجه را به خدا بسپارد .

فَوْقَهُ اللَّهُ سَيِّآتِ مَا مَكْرُورًا وَحَاقَ

پس نگهداشت موسی را (یا مردم مؤمن را) الله از شدائد مکر آنها و بر عکس نازل شد

بِأَلِ فِرْعَوْنَ سُوءِ الْعَذَابِ ۝

به آل فرعون بد عذاب

تفسیر : آخرین نتیجه این کشمکش این بود که الله تعالی حضرت موسی (ع) (و رفقای او را که از جمله آنها این مرد مؤمن از آل فرعون هم بود) از کید فرعونیان نگه داشت و تمام حيله های ایشان را باطل نمود بلکه بالعکس دسیسه های آنها برخود آنها عائد گردید - هر کسی که حق پرستان را تعاقب نمود کشته شد و تمام قوم فرعون در بحر قلزم غرق گردیدند .

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا ۝

آن آتش است پیش کرده میشوند بر آن صبح و شام

تفسیر : مسکن آنان که در دوزخ است و روز قیامت در آن درآورده میشوند هر صبح و شام بایشان نشان داده میشود تا بطور نمونه يك مره جزئی آن عذاب آینده را چشیده برونند - این بود حال عالم برزخ - از احادیث ثابت است که باین صورت هر روز به هر کافر جای نشیمنش در دوزخ و برای هر مؤمن قرار گاه جنت صبح و شام نشان داده میشود .

تنبيه : از این آیه فقط تعذیب فرعونیان در عالم برزخ ثابت شده بود - بعد از آن به آنحضرت (ص) معلوم شد که جمیع کفار بلکه گنهگاران مؤمنین هم در برزخ معذب میشوند (اعاذنا الله منه) - كما ورد في الاحادیث الصحيحة از بعضی آثار برمی آید همچنانکه از جمله جنتیان ارواح شهداء در حواصل «پرندگان سبز» داخل شده سیر جنت میکنند از جمله دوزخیان ارواح فرعونیان را هم در حواصل «پرندگان سیاه» داخل نموده هر صبح و شام بسوی دوزخ میفرستند - (البته اقامت ارواح با اجساد آنها در جنت و یا در دوزخ در آخرت می باشد) اگر این صحیح باشد شاید تفاوت بین کلمات آیت متعلق فرعونیان «النار يعرضون عليها غدواً وعشياً» و الفاظ حدیث در باب دوزخیان عمومی «عرض عليه مقعده بالفداء والعشى» مبنی همین باشد - والله تعالی اعلم .

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ قَدْ آدُ خَلَوْا

و در روزیکه قائم شود قیامت (گفته میشود از طرف خدا) در آرید

الْ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ۝

فرعون و پیروان او را در سخت ترین عذاب

وَإِذْ يَتَحَاكُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ

و (یاد کن) چون باهم مجادله میکنند در آتش پس گویند ناتوانان (پیروان)

لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا

بمتکبران (رؤسا) (هر آئینه) ما بودیم شمارا پیروان

فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ ۝

پس آیا شما دفع کننده هستید از ما حصه را از آتش

تفسیر : در دنیا مارا به پیروی خود مجبور میکردید که بواسطه آن امروز گرفتار شدیم حالا درینجا قدری به کارمایید زیرا بر بزرگان لازم است که کما بیش خبر خوردان را بگیرند نمی بینید که امروز چه مصیبت گرفتاریم - آیا میتوانید يك قسمت این مصیبت را که بدوش ما افتاده است سبک سازید ؟

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا فِيهَا

گویند سرکشان (هر آئینه) ما همه در آتشیم

إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ۝

هر آئینه الله بتحقیق فیصله کرده است میان بندگان

تفسیر : کسانی که در دنیا تکبر میکردند جواب خواهند داد که امروز ما و شما همه درین مصیبت گرفتاریم - الله تعالی هریکی از مارا مطابق جرم او محکوم به مجازات نموده است که آن مجازات بلکل قطعی رد شدن نیست - اکنون موقع نمانده که کسی به کار کسی بیاید - ما که مصیبت خود را تخفیف داده نمیتوانیم بدرد شما چگونه خواهیم خورد ؟

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ

و گویند آنانکه در آتش اند برای (فرشتگان) متصرفان دوزخ

اِنْ عُوَا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا

بخواهید از پروردگار خود تا تخفیف کند از ما روزی

مِّنَ الْعَذَابِ ۝

از عذاب اندک

تفسیر : چون از سرداران خود مایوس میشوند به فرشتگانی که انتظام دوزخ بدست آنهاست رجوع میکنند که حالا شما بر ب خود عرض نموده یک روز تعطیل را مقرر کنید که در آن چیزی از عذاب ما تخفیف شود .

قَالُوا أَوْ لَمْ تُكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ

گویند (منتظمان دوزخ) آیا (اوقات دعا را ضائع نساختید؟) نمی آمدند بشما پیغمبران تان

بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا أَفَادُّ عُوَا

بانسانهای روشن گویند آری (می آمدند) گویند (منتظمان) پس (خودتان) بخوانید

وَمَا دُّ عُوَا الْكَفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝

(از طرف خدا فرموده میشود) و نیست خواست کافران مگر در تباهی

تفسیر : آنوقت سخن پیغمبران را قبول نکرده و عاقبت خود را فکر ننمودید تا چیزی فائده بدست تان می آمد اکنون موقع از دست رفته امروز هیچ نوع سعی - شفاعت یا خوشامد سودی نمی بخشید حالا فریاد و فغان کرده باشید در اینچنین معاملات نه شفاعت کرده میتوانیم و نه از فریاد و فغان تان فائده حاصل میشود - حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد که « فرشتگان دوزخ به آنها میگویند که شفاعت وظیفه ما نیست ما فقط بر عذاب کردن ماموریم - شفاعت وظیفه پیغمبران است - مگر شما برخلاف پیغمبران بودید » .

تنبیه : ازین آیت معلوم شد که دعای کافران در آخرت تاثیری ندارد - آری اگر در دنیا الله تعالی به استدعای کافر چیزی را بآورد دهد حرفی است جداگانه مثلیکه به ابلیس تا بروز قیامت مهلت داده شده - .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالدِّينَ ۚ أَمْؤُوا ۚ

مؤمنان را

پیغمبران خود و

(هر آئینه) مدد میکنیم

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

دنیا

زندگانی

در

تفسیر : ما ایمان داران را در دنیا غالب و منصور میسازیم برای مقصدیکه اقدام میکنند بیاوری ما در آن کامیاب و فائز المرام میشوند ، قربانیهای حق پرستان گاهی ضایع نمی شود - درین موعده اگرچه در میان نشیب و فرازی بسیار باشد و هرگونه امتحانات پیش آیند بالاخر مسلک و آئین آنها برتری می یابد . مؤمنان از حیثیت علمی در حجت و برهان بدون شبهه و تردید دایماً منصوراند - لیکن فتح مادی و عزت و رفعت ظاهری هم بالاخر به همین ایمانداران حاصل میشود عزت دشمنان حق باقی نمی ماند چه علو و عروج آنها مانند کف دیگ و جوش آب سودا می باشد عاقبت این اعدای حق مقابل مؤمنین قانتین حتماً پست و ذلیل میشوند والله تعالی تا انتقام اولیای خود را از آنها نگیرد نمی گذارد - لیکن واضح باد که وعده که درین آیت برای مؤمنین داده شده مشروط براین است که آنها - مؤمن حقیقی و متبع پیغمبران باشند - كما قال الله تعالی « و انتم الاعلون ان كنتم مؤمنين » (آل عمران - رکوع ۱۴) خصائل چنان مؤمنان در قرآن مجید در اکثر مواقع بیان شده باید که مؤمنان خود را بران محک امتحان کنند . -

وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ۝۱

گواهان

قائم میشوند

در روزی که

و

تفسیر : وقتی که اولین و آخرین در میدان محشر جمع میشوند حق تعالی به فضل و کرم خود سر فرازی ، عزت و رفعت آنها را علی رؤس الاشهاد و انمود میفرماید . در دنیا میتواند چیزی شبهه واقع شود و التباس دست دهد مگر در آخرت یکذره ابهام و التباس باقی نخواهد ماند . -

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمْ

معذرت های ایشان و مرایشان راست

ستمگاران را

نفع ندهد

در روزیکه

الْلعنة و لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝۲

سرای بد

و مرایشان راست

دوری از رحمت

تفسیر : به آنها هیچ مدد و دستگیری نمی شود درین آیت انجام مطرودین را مقابله مقبولین بیان فرمود .

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا

و بتحقیق دادیم موسی را امور هدایت و میراث دادیم

بَنِي إِسْرَءِيلَ يَلِكُ الْكِتَابِ ۝ ۵۳ هُدًى

بنی اسرائیل را کتاب هدایت کننده

وَذِي كُرَىٰ لِأُولَى الْأَلْبَابِ ۝ ۵۴

و پند دهنده برای خداوندان عقول

تفسیر : در خود دنیا مشاهده کنید که فرعون و قوم او را با آنچه قوت و جبروتی که داشتند دشمنی حق چگونه هلاک و برباد نمود و اله تعالی از برکت و رهنمائی موسی (ع) قوم مظلوم و کمزور بنی اسرائیل را چسان بلند برد و آنها را وارث آن کتاب عظیم الشان (یعنی تورات) ساخت که برای دانشمندان جهان کار شمع هدایت رامیداد.

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ

بس صبر کن (برای دای کفار) بتحقیق وعده الله حق است و آمرزش بخواه (برای چیزیکه نسبت بشان تو

لِذَّنُوبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

گناه شمرده میشود) و تسبیح گوی باستائش پروردگار خود

يَا لَعَشِيٍّ وَالْأَلْبَابِ ۝ ۵۵

بیگاه و پگاه

تفسیر : تو نیز خاطر جمع باش وعده که باتو شده حتماً بسر میرسد خداوند قدوس ترا و بطریق تو پیروانت را سر فراز دارین خواهد داشت - اما شرط این است که برای حصول خوشنودی اله تعالی بهر نوع شغلا و نوائب صبر کنند و هر کس مطابق درجه تقصیر خویش از ایزد متعال خواهان آمرزش باشند و همیشه شب و روز، صبح و شام تسبیح و تحمید پروردگار را قولا و فعلا و ردخود سازد و در ظاهر و باطن از یاد او تعالی

غافل نباشد هر آینه درائر آن امداد و نصرت الله تعالى یقینی است - آنحضرت (ص) را مخاطب نموده تمام امت را یاد داد حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد که حضرت رسول الله (ص) شبانه روز صد صد بار استغفار میخواند - تقصیر هر بنده بر طبق درجه او - است - بنابراین برای هر کس استغفار ضروری است .

إِنَّ الَّذِي يَنْ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ

(بتحقیق) آنانکه مجادله میکنند در آیتهای الله

يَغْيِرُ سُلْطَنَ أَتْهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ

بدون حجتی که آمده باشد بایشان نیست در سینه های ایشان

إِلَّا كِبْرُ مَا هُمْ بِبَا لَغِيهِ ج

مگر کبری که گاهی نیستند رسندگان به آن

تفسیر : کسانی که در دلائل توحید و کتب سماوی و معجزات و هدایات پیغمبران او خواه مخواه مجادله میکنند و از اظهار سخنان بی سند میخواهند صدای حق را مغلوب نمایند حقیقتاً در دست آنها هیچ حجت و دلیلی نیست و نه در حیثیت این چیزهای واضح و آشکار گنجایش شك و تردد می باشد فقط تکبر مانع آنهاست که حق را تسلیم و به پیغمبر پیروی نمایند زیرا میخواهند نسبت به پیغمبر فوقتر باشند و یا اقلاً پیش او به خم شدن مجبور نشوند - لیکن بدانند که آنها باین مقصد خود گاهی نخواهند رسید آنها مجبور میشوند که یا بحضور پیغمبر سر اطاعت خم کنند و یا به منتها درجه ذلت و رسوائی برسند .

فَاُتْعَدُ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ج ۵۴

پس پناه ببر به الله «از شر آنها» بتحقیق الله اوست شنوا بینا

تفسیر : به خدا (ج) پناه ببر تا او تعالی ترا از این مجادله کنندگان نگهدارد و از شر آنها محفوظ دارد در آینده تحقیق آن مسایلی می شود که ایشان در آن مجادله می کردند مثلاً بعث بعد الموت که آنرا محال میدانستند و یا توحید ذات باری که از آن انکار میکردند .

لَخَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ

بتحقیق آفریدن آسمانها و زمین بزرگتر است

مِنْ خَلَقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ

از آفریدن مردمان و لیکن اکثر

النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾

مردمان نمیدانند

تفسیر: یعنی از حیثیت مادی ظاهر انسان در مقابل عظمت و جسامت آسمان و زمین هیچ اهمیت ندارد و مشرکین هم تسلیم میکنند که آفریننده زمین و آسمان همان خداوند قدوس است پس ذاتیکه چنین مخلوقات بزرگ را پیدا کرده برای اوچه اشکال دارد که انسان را بار اول و یا بار دوم پیدا کند تعجب است که اکثر مردم چنین سخن عادی را هم نمی فهمند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۚ

و برابر نیستند و کور و بینا

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

(و برابر نیستند) آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای نیک

وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾

و نه بدکار اندک پندی می پذیرد

تفسیر: آیا کوری که راه راست حق را نمی بیند و بینائیکه به کمال بصیرت صراط مستقیم را می بیند و می فهمد هر دو مساوی هستند؟ یا سرانجام يك مؤمن نیکو کار و کافر بدکار یکسان میشود چون چنین نیست ضرور باید روزی فرا رسد که در آن این دو گروه از هم تفریق گردند و ثمرات علم و عمل هر دو به اکمل ترین صورت ظاهر شود مگر افسوس که اینقدر هم سنجیده نمیتوانید.

إِنَّ السَّاعَةَ لَا تِيَهُ ۖ لَا رَيْبَ فِيهَا ۚ

بتحقیق قیامت آمدنی است نیست شك در آن

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ⑤۹

و لیکن اکثر مردمان باور نمی کنند

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ⑥۰

و میفرماید پروردگار شما مرا بخوانید که قبول میکنم خواسته شما را

تفسیر : تنها مرا بندگی کنید که مکافات میدهم و فقط از من بخوانید و شما را رد نمیکنم .

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

بتحقیق آنانکه تکبر میکنند از عبادت من

سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ⑥۱

بزودی در آیند دردوزخ ذلیل شدگان

تفسیر : خواستن از رب خود شرط بندگی و نخواستن تکبر و سر کسی است و ازین آیت معلوم شد که خدا (ج) به فریادبندگان میرسد - این سخن بدون شک و شبهه صحیح است مگر مطلب این نیست که هر دعای هر بنده را قبول کند یعنی آنچه میخواهد بآورد بدهد بلکه اجابت او چندین نوع است که در احادیث بیان شده - اعطای چیزی موقوف بر مشیت او و تابع حکمت است کما قال فی موضع آخر «فیکشف ما تدعون الیه» (انعام رکوع ۴) بهر حال کار بنده خواستن است و خود خواستن یک عبادت بلکه مغیر عبادت است .

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ

الله همان ذاتی است که آفرید برای شما شب را

لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ⑥۲

تا آرام کنید در آن و (گردانیده) روز را طوری که در آن دیدن میشود

تفسیر : در هنگام سردی و تاریکی شب عموماً مردم می خوابند و آرام میکنند - چون ور میشود بانفسی تازه در روشنی او بکار و بار خود مشغول میشوند در آنوقت برای دین و گشتن بروشنی مصنوعی چندان ضرورت نمی افتد .

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ

(بتحقیق) الله خداوند فضل است بر مردمان

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٦﴾

و لیکن اکثر مردمان شکر نمیکنند

تفسیر : شناختن حق منعم حقیقی این بود که از قول و فعل - جان و دل شکر او را بجای می آوردند مگر اکثر مردم در عوض شکریه شرک می پردازند .

(وقف لازم)

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

این است الله پروردگار شما آفریننده هر چیز

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ فَآَنِي تَوُفَّكُونَ ﴿٦٧﴾

نیست هیچ معبود بر حق مگر او است پس کجا منصرف کرده میشوید

تفسیر : چون همه نعمت های شب و روز را از جانب او میدانید بندگی هم باید فقط بحضور او باشد و قتی که به این مقام رسیدید باز چطور گمراه میشوید که مالک حقیقی یکی باشد و بندگی بدیگری اجرا شود .

كَذَٰلِكَ يُؤْ فَكَ الَّذِيْنَ كَانُوا

همچنین منصرف کرده شده بودند آنانکه

يَا أَيُّهَا اللَّهُ يَجْحَدُونَ ﴿٦٨﴾ اللَّهُ الَّذِي

به آیات الله انکار میکردند الله آنست که

جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً

گردانید برای شما زمین را قرار و آسمان را سقف

تفسیر : یعنی آسمان را مانند قبه ساخت .

وَصَوِّ رَكْمٌ فَأَحْسَنَ صَوِّ رَكْمٍ وَرَزَقَكُم

و صورت بست شمارا پس نیکو ساخت صورت‌های شمارا و روزی داد شمارا

مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَا لِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ

از چیزهای پاکیزه آن است الله پروردگار شما

فَتَبَرَّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۞

پس بسیار بابرکت است الله پروردگار عالمها

تفسیر : نسبت به تمام جانوران صورت انسان بمراتب بهتر و نسبت بروزی همه حیوانات روزی او پاکیزه ترمی باشد .

هُوَ الْحَيُّ

اوست زنده (بجیات ذاتی دائمی)

تفسیر : از هیچ حیث بذات او تعالی گاهی موت و فنا عائد نشده و نه عائد میشود پرواضح است که چون حیات او ذاتی است تمام لوازم حیات او هم ذاتی می باشند .

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ

نیست هیچ معبود برحق مگر او پس عبادت کنید او را در حالیکه خالص کنندگان باشید

لَهُ الدِّينُ أَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۞

برای او دین را همه ستایش خدای راست که پروردگار عالمهاست

تفسیر : کمالات و خوبیها همه متعلق به حیات است - کسیکه حی علی الاطلاق است خاص او مستحق عبادت و مالک تمام کمالات و خوبیها می باشد - از همین سبب «الحمد لله رب العالمین» را بعد از «هو الحی» فرمود چنانکه در آیت ماقبل بعد از ذکر نعمت‌ها «فتبارک الله رب العالمین» فرموده بود آنکه از بعض سلف منقول است که وقتی که «لا اله الا الله» گفته شود باید «الحمد لله رب العالمین» را به آن مقرون ساخت مأخذ آن همین آیت است .

قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ

بگو (بتحقیق) من منع کرده‌شده ام از آن که بپرستم آنانرا که

تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي

میرسید بجز الله چون آمد بمن

الْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّي وَأُمرْتُ

نشانه‌های آشکار از پروردگار من و مامور شده ام

أَنْ أَسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾

که منقاد باشم به پروردگار عالمیان

تفسیر: بعد از مشاهدۀ علامات واضح انسان چرا بحضور خدای واحد سر عبودیت خم نکند و خاص تابع فرمان او نباشد؟

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ

اوست آن ذاتیکه آفریده شما را از خاک

تفسیر: یعنی آدم پدر شما را و یا خود شما را بصورت نطفه که خلاصه غذا بوده و از خاک پیدا میشود بوجود آورد.

ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ

باز از آب منی باز از خون بسته

تفسیر: ماده اصلی بنی آدم يك قطره آب (یعنی آب منی) است که بعد از آن بخون بسته تبدیل میشود.

ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ

باز بیرون می‌آرد شما را اطفال باز (باقی میگذارد شما را) تا برسید بقوت کامل خود

ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوعًا ۚ وَ مِنْكُمْ

باز (باقی میگذارد) تاشوید و بعضی از شما

مَنْ يَتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَ لَتَبْلُغُوا

کسی است که میرانیده میشود پیش ازین و (باقی میگذارد) تا برسید

أَجَلًا مُّسَمًّى

بهداتی معین (برای مرگ)

تفسیر : یعنی از طفلی بچوانی و از جوانی به پیری میرسد و بعضاً انسان پیش از جوانی و یا پیری وفات میکند . بهر حال همه نفری تا بیک میعاد معین و وعده نوشته رسیده نیستند هیچکس از موت و حشر مستثنی نیست .
(هرآنکه زاد بناچار بایدش نوشید * و جام دهر می کل من علیها فان)

وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾

و تا بدانید (دلایل وحدانیت و قدرت الهی را بر بعث)

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد «یعنی تفکر کنید که شما از بین اینقدر ادوار گذشته پس امکان دارد که از یک دور دیگر هم مرور کنید و آن برخاستن است بعد از موت بنابراین این دور حتمی را چرامحال میدانید ؟»

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ ۚ فَإِذَا أَقْضَىٰ أَمْرًا

اوست آن ذاتی که زنده میکند و میمیراند پس چون خواهد ایجاد چیزی را

فَأِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٦٨﴾

پس جز این نیست که گوید مر او را شو پس (او) میشود

دو باره زنده کردن

تفسیر : نزد قدرت کامله و شان «کن فیکون» چه مشکل است که شمارا بعد از مردن باز زنده کند (یعنی بمجرد اراده خداوندی به ایجاد چیزی آن چیز فوراً موجود میشود خواه امر کن باشد چنانکه رأی متقدمین است خواه نباشد چنانکه رأی متأخرین است).

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَجَادِلُونَ

مجادله میکنند

آنانکه

بسوی

آیا ندیدی

فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنِّي يُصْرَفُونَ ﴿٦٩﴾ الَّذِينَ

آنانکه

بکجا منصرف کرده میشوند (از الله)

الله

آیهای

در

كَذَّبُوا بِآلِ الْكِتَابِ وَ بِمَا أُرْسِلْنَا بِهِ

به آن

فرستادیم

و به آنچه

باین کتاب

نسبت دروغ کردند

رُسُلَنَا فَتَسُوفُ يَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾

بدانند (و خامت تکذیب را)

پس زود

پیغمبران خود را

تفسیر : که نتیجه این تکذیب چیست؟

إِذَا الْأَغْلَظُ فِي أَعْنَاقِهِمُ وَالسَّلَاسِلُ ط

زنجیرها (نیز)

گردنهای ایشان

در

طوقها افتاده باشند

وقتی که

تفسیر : يك سر زنجیر بسته بطوق و سر دیگر بدست فرشتگان می باشد - بدین صورت مانند مجرمین و بندیه - حاضر کرده میشوند (و یا طوقها در گردنهای و زنجیرها بدست و پای می باشد)

يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ

آتش

در

پس

آب جوشان

در

کشیده میشوند

يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾

سوختانده میشوند (آتش از خارج و داخل بر آنها محیط می باشد)

تفسیر : در دوزخ گاهی به آب جوشان و گاهی به آتش عذاب کرده میشوند (اعاذنا الله منهم)

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾

باز گفته شود ایشان را کجاست آنچه شریک میکردید

مِنْ دُونِ اللَّهِ ط

الله

بجز

تفسیر: امروز هیچیکی از آنها بکار نمی آید - اگر ممکن است آنها را برای مدد خود طلب کنید .

قَالُوا اضْلُؤْا عَنَّا

ازما

گم شدند

گویند

تفسیر: آنها نسبت بما هم درمانده تر شده اند - شاید در آنوقت عابدین و معبودین از هم جدا کرده شده باشند و یا مطلب «اضلوا عنا» این باشد که اگرچه آنها موجودانند مگر چون از آنها سودی بما نمیرسد بودن و نبودن شان یکسان است .

بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا ط

چیزی را

قبل ازین

که می پرستیدیم

نبودیم

بلکه

تفسیر: اکثر مفسرین مطلب آیت را چنان گرفته اند که « کسانی را که در دنیا میخواندیم امروز بر ما عیان شد که آنها در واقع چیزی نبودند » - گویا این جمله بطور حسرت و افسوس اعتراف غلطی شان میباشد - لیکن خلاصه کلام حضرت شاه صاحب (رح) این است که « مشرکین اولاً انکار کرده بودند که ما قطعاً آنها را شریک نگردانیدیم - لیکن از وارخطائی بیساخته از زبان شان میبر آید «اضلوا عنا» که در این اظهار اعتراف شریک گردانیدن می باشد - بعد از آن اندکی دل گرفته به انکار می پردازند که ما بدون خدا قطعاً دیگر کس را نخوانده بودیم .

كَذٰلِكَ يُلْهِى اللّٰهُ الْكَافِرِيْنَ ﴿٧٤﴾

کافران را

الله

گمراه میکند

همچنین

تفسیر: طوریکه در اینجا از انکار پی در پی گمراه شدند و باز از خوف عذاب اقرار بگناه نمودند در دنیا نیز رویه این کافران چنین بود .

ذَٰلِكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ

این (اضلال) بسبب آنست که شادمانی میکردید در زمین

بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَهْرَجُونَ ﴿٧٥﴾

بناحق و بسبب آنست که مینازیدید بخود (بناحق)

تفسیر: اکنون دیدید که سرانجام شادمانی ناحق و عافیت غرور و تکبر این است - اکنون نفاخر و نازیدن شما چه شد.

أَدْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ

(گفته میشود از طرف خدا) درآید بدروازه‌های دوزخ

تفسیر: یعنی هر نوع مجرمین از آن دروازه که برای آنها مقرر شده است داخل دوزخ کردند.

خُلِدِ يَنْ فِيهَا ۚ فَبِئْسَ مَثْوًى

جاویدان در آن در آن (دوزخ) بد مسکن

الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ

متکبران است پس صبر کن (ای محمد ص) بتحقیق وعده الله

حَقٌّ ۚ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ

حق است پس اگر بنمائیم بتو بعض آنچه وعده میدهم کفار را ((پس آن وعده تکمیل شد)

أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٧٧﴾

یا اگر بمیرانیم ترا (پس از ظهور آن عذاب) پس بسوی ما بازگردانیده شوند کافران (پس انتقام از آنها میگیریم)

تفسیر: وعده عذابی که الله تعالی به آنها داده است یقیناً انجام میگردد - امکان دارد که بعض وعده در حیات تو اجرا شود (چنانکه در واقعه «بدر» و «فتح مکه» و غیره بظهور

بیوست) و یابعد از وفات تو ایفا کردد بهر حال اینها از مواخذة ما هیچ جاکریخته نمیتوانند
و سر انجام ایشان بدست قوی ما است و چون این زندگی بپایان رسد در زندگانی جهان
دیگر تکمیل عذاب الهی (ج) بعمل می آید و الحاصل خلاصی بهیچ صورت ممکن نیست.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ

(و) (بتحقیق) فرستادیم رسولان را پیش از تو بعضی از ایشان

مِّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَّن لَّمْ

آنان اند که بیان کردیم حال شانرا بر تو و بعضی از ایشان آنان اند که

نَقُصُّ عَلَيْكَ ط

بیان نکردیم بر تو

تفسیر: احوال تفصیلی بعض پیغمبران را تو بیان کردیم و از برخی ذکری ننمودیم (ممکن
است که بعد از نزول این آیت در باب آنها هم تفصیل داده شده باشد) بهر حال نامهای
کسانیکه معلوم است به ایشان تفصیلاً و کسانیکه اسمای شان مذکور نشده بر آنها
اجمالاً ایمان آوردن ضروری است لا نفرق بین احد من رسله.

وَمَا كَانَ لِرُسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ

و صحیح نیست هیچ پیغمبر را که بیارد

بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ج

نشانه مگر بحکم الله

تفسیر: بحضور الله تعالی همه پیغمبران عاجزند ایشان اینقدر هم اختیار ندارند که معجزه
حسب خواهش خود نشان بدهند فقط همان معجزاتی را میتوانند نشان دهند که اجازه
آن از بارگاه الهی (ج) عطا گردد.

فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِأَلْحَقِّ

پس چون بیاید حکم خدا فیصله کرده شود بحق

و خَسِرَ هُنَا لَكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٧٨﴾

و ظاهر شود در آنجا زیان تکذیب کنندگان

تفسیر : و قتیکه حکم الله تعالی میرسد در میان پیغمبران و قومهای آنان منصفانه فیصله کرده میشود - در آن آوان پیغمبران سرخرو و کامیاب میشوند و باطل پرستان را بدون ذلت و خسران بهره نباشد .

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا

الله است آنکه آفرید برای شما چهارپایان را تا سوار شوید

مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ

بر بعض آنها و بعض آنها را میخورید و شما را است در آنها منافع بسیار

تفسیر : مثلاً - از پوست - موی - پشم و غیره مواد آنها فوائد گوناگون می بردارید .

وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ

و تا برسید سوار شده بر آنها بمقصدی که در دلها دارید

تفسیر : سواری در ذات خود يك مقصد است و بوسیله سواری انسان مقاصد زیاد دینی و دنیوی رانیز حاصل میکند .

و عَلَيْهَا وَ عَلَى الْفُلْكِ تَحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾

و بر چهار پایان و نیز بر کشتیها برداشته میشوید

تفسیر : در خشکه بر پشت جانوران و در بحر و دریا در کشتی ها سوار شده میگردید .

و يُرِيكُمْ آيَاتِهِ ۖ فَآيَ آيَاتِ اللَّهِ

و مینماید الله شمارا نشانهای خود پس کدام يك از آیتهای الله را

تُنْكِرُونَ ﴿٨١﴾

انکار میکنید

تفسیر : باینکه انسان اینقدر آیات آشکارا را می بیند بازهم تا کدام حد انکار کرده می رود - (هنوز آدم آگهی ندارد که چه اندازه آیات دیگر از جانب خداوند با و نشان داده خواهد شد) .

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

آیا (عاجز شده) پس سیر نکرده اند در زمین تا می دیدند

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ط

که چگونه بود عاقبت کار آنان که پیش از ایشان بودند

كَانُوا أَكْثَرُ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً

بودند بیشتر از ایشان و سخت تر از حیث قوت

وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ

و نشانها در زمین پس دفع نکرد از ایشان

مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٢﴾

آنچه می کردند

تفسیر : در سابق بسا اقوام گذشته اند که در تعداد و قوت نسبت به اینها بمراتب بیشتر بودند و نیز آنها نسبت به این مردم یاد گارها و آثار بزرگتر خود را باقی گذاشتند - لیکن چون عذاب خدا رسیده تمام آن زور و قوت و ساز و سامان شان به کار نیامده و مانند خس و خاشاک تباه و برباد شدند .

فَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ

پس چون آوردند بایشان رسولان ایشان

فَرِحُوا بِهَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ

نازیدند به آنچه نزد ایشان بود از دانش

وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١٣﴾

و منعکس شد بایشان آنچه به آن استهزاء میکردند

تفسیر: یعنی تعلمی که راجع بحصول اسباب معاش و ترقیات مادی داشتند، به عقاید غلطیکه در دل آنها جاگزیده بود تفاخر و شادمانی میکردند و علوم و هدایات انبیاء علیهم السلام را حقیر دانسته بران تمسخر مینمودند - بالاخر وقتی رسید که حقیقت استهزاء و تمسخر بر آنها مکشف شد و این مزاح بازی آنها برخودشان راجع و مسترد گشت.

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ

باز چون دیدند عقوبت ما را گفتند ایمان آوردیم بخدا

وَحُدَّهٖ وَكَفَرُوا بِهَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿١٤﴾

یگانه و کافر شدیم به آنچه بودیم بسبب آن شریک آرندگان

تفسیر: چون عذاب الهی را به چشم سردیدند چشم شان باز شده و بهوش آمدند پس بفراموشی ایمان و توبه افتاده میگویند «حالاً دانستیم که فقط خدای بزرگ یگانه کار ساز و مشکل کناس است به چیز هائیکه ما درجه خدائی داده بودیم معلوم شد که همه عاجز و بیگانه هستیم درجه احق و گستاخ بودیم که آن چیز ها را برنخت خدائی نشانده بودیم»

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا

پس نبود اینکه نفع دهد ایشانرا ایمان ایشان وقتی که دیدند عقوبت ما را

تفسیر: اکنون از بشیمانی و اعتراف به تقصیر فائده حاصل نمیکرد چه وقت تو به و ایمان گذشت از مشاهده عذاب هر کسی اختیار یقین میکند مگر این یقین موجب نجات نمی شود و نه از سبب آن عذاب نازل شده بر می گردد - قال الله تعالی «وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْإِيمَانَ وَلَا الَّذِينَ يُمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ» (نساء - رکوع ۳) وقال فی وصلة فرعون «الآن وقد عصيت قبل وكنت من المفسدين» (یونس - رکوع ۹) وفي الحديث «ان الله تعالى يقبل توبة العبد ما لم يفرغ».

سُنَّتِ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ

سنت نهاده الله سنتی که گذشته است در بندگانوی

و خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَفِرُونَ ۝ ۶۹

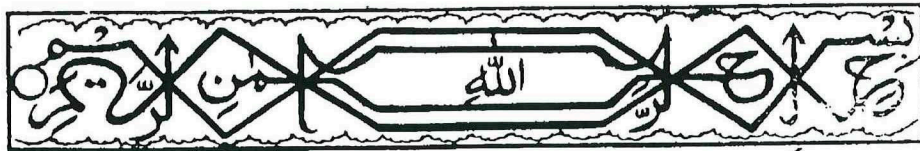
و زیان کار شدند آنگاه کافران (یعنی زیانکاری شان بظهور برسد)

تفسیر : همیشه عادت مردم آنست که اول از راه انکار و استهزاء پیش می آیند باز چون گرفتار عذاب شوند بفریاد و تظلم پرداخته و به غلطی های خود اعتراف میکنند - لیکن عادت الله این است که آن توبه بيموقع راقبول نمیفرماید منکرین در پاداش جرائم خود خراب و برباد میشوند . خدایا مارا از خسران و زیان نگهدار و از قهر و غضب خود در دنیا و آخرت امان ده .

(تم سورة المؤمن ولله الحمدو المنة)

(سورة حم السجدة مكية وهي اربع وخمسون آية وست ركوعات)

(سورة حم السجدة مكية است و آن پنجاه و چهار آیت و شش ركوع است)



آغاز میکنم بنام خدا یکی بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

ح ۱ تَنْزِيلُكَ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ ۷۰

فرو فرستاده شده است از جانب (خدائی که) بیحد مهربان نهایت با رحم است

تفسیر : این يك مهربانی و رحمت بی نهایت الله تعالی ست بر بندگان که برای هدایت آنها چنین کتاب عظیم الشان و بيمثال را نازل فرمود .

كِتَابُ فَصَّلَتْ آيَتُهُ

کتابی است جدا کرده شده آیاتش

تفسیر : جدا جدا بودن آیات از لحاظ لفظ البته ظاهر است مگر از حیثیت معنوی هم در آن آیات جدا جدا صدها نوع علوم و مضامین تفصیل داده شده .

قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ ۷۱

در حالیکه قرآن عربی است برای قومی که میدانند

تفسیر : قرآن کریم بزبان عربی که به منتهی درجه فصیح و بلیغ است نازل کرده شده که این زبان مادری مخاطبین اولین آن بود تا آن مردم بفهمیدن آن دچار مشکلات نشوند اول خود شان بفهمند و باز دیگران را که محققه فهمانده بتوانند مگر با وجود آن ظاهر ست که صرف همان مردم از آن فائده میبرد دارند که عقل و دانش داشته باشند جاهلان بیخرد قدر این نعمت عظمی را شناخته نمیتوانند .

بَشِيرًا وَ نَذِيرًا ج

مژده دهنده و ترساننده

تفسیر : قرآن باور کنندگان خود را مژده فلاح و نجات میدهد و کافران را از سرانجام بد میترساند .

فَاعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۴

پس اعراض کردند اکثر ایشان پس ایشان نمی شنوند

تفسیر : باوجود اینکه سخنان جای حیرتست که بسیاری از ایشان به نصائح پیشبهای این کتاب التفات نمیکنند چون توجه به آن ندارند برای شنیدن کی آماده میشوند ؟ فرضاً اگر بگوش شنیدند چون بگوش دل نشنیدند و توفیق پذیرفتن رفیق ایشان نشد شنیدن و نشنیدن یکسان است .

وَقَالُوا أَقُلُّوْنَا فِيْ اِكْنَةٍ هِمَّا تَدْعُوْنَا

و گفتند دلهای ما در پرده است از آنچه میخوانی ما را

اِلَيْهِ وَفِيْ اِذَانِنَا وَقُرْ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ

بسوی آن و در گوشهای ما گرانی است و میان ما و میان تو

حِجَابٌ فَاَعْمَلْ اِنَّا عَمِلُوْنَا ۵

حجابی است پس بکن کار خود را (هر آینه) ما کنندگان کار خودیم

تفسیر : یعنی تنها همین قدر نیست که به نصیحت التفات نمیکنند و یا به گوش هوش نمی شنوند بلکه اینچنین سخنانی را هم ایراد میکنند که از شنیدن آن ناصح به کلی مایوس گردد و در آینده از اراده پند دادن هم باز آید مثلاً میگویند که دلهای ما غلاف ضخیمی دارد که سخنان تو به آن رسیده نمیتواند لذا هیچ تأثیر نمیکنند و وقتی که تو سخن میگوئی گوشهای ما از سبب گرانی صدای ترا نمی شنود یعنی از سبب ثقل سمع هیچ چیز شنیده نمیشود علاوه برین بین ما و تو چنین پرده حائل است که نمی ماند بایکدیگر برسیم و مناسبی قائم گردد اگر دیوار های عداوت و دشمنی از بین ما و تو برداشته شود ممکن است ما و تو بیکدیگر رسیده و موافقه کرده بتوانیم - لیکن اینگونه واقعه امکان ناپذیر است پس چرا خود را اینقدر در دسر میدهی ما را بحال ما بگذار تو به کار خود مصروف باش و ما کار خود را میکنیم - آمیدی را بدماغ خود جامده که ما از نصائح تو گاهی متأثر خواهیم شد .

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَىٰ

بگو جزاین نیست که من بشرم مانند شما وحی کرده میشود بسوی من

أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا

که معبود شما معبود یگانه است پس راست متوجه شوید

إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا لَهُ

بسوی او و آمرزش بخواهید ازو

تفسیر : یعنی من خدا نیستم که بزور دلهای شما را بگردانم نه فرشته ام که برای تنزیل آن دائماً فرمایش میکنید و نه کدام مخلوق دیگرم بلکه از جنس و نوع خود شما یک بشرم که از روی هموعی سخن اورا فهمیدن بر شما آسان تر است انسانی هستم که اورا الله جل جلاله برای آخرین و کاملترین وحی خود برگزیده است - بناء علیه هر قدر که اعراض کنید و هر چند سخنان یاس آور بگوئید پیغام خدای را ضرور بشما میرسانم - بذریعه وحی بمن هدایت شده که معبود و حاکم علی الاطلاق همه شما یکی است و بدون او کسی سزاوار پرستش نیست، بنابراین بر همه لازم است که در تمام شئون و احوال مستقیماً بسوی همان خدای واحد رو آورده روان شوند از راه او تعالی به هیچ طرف منحرف نگردند و از پروردگار خود از تمام خطاهای پیش و پس آمرزش بخواهند .

وَوَيْكَ لِلْمُشْرِكِينَ ۝ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ

و وای وای مشرکان را آنانکه نمیدهند

الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَفِرُونَ ۝

زکوة وایشانند به آخرت کافران (نامعتقدان)

تفسیر : مردمانی که بالله چنین معامله دارند که مخلوق عاجز را در عبادت او تعالی شریک میگردانند و بابتدگان چنین رویه دارند که روا دار نیستند پول صدقه و زکوة را بر محتاج و مسکین خرج کنند و نیز از انجام خود بکلی غافل و بی فکرند زیرا تسلیم نمیکند که بعد از موت زندگی ثانی بوده و محاسبه اعمال نیک و بد بعمل خواهد آمد آینده چنین مردم بجز هلاکت ، خرابی و بربادی چه می باشد .

تنبیه : درین موقع بعضی سلف از «الزکوة» کلمه طیبه مراد گرفته اند و بعضی «زکوة» را به معنی پاکی و نظافت بیان کرده اند - بنابراین مطلب این خواهد بود که این مردم نفس

خود را از عقاید فاسده و اخلاق ذمیمه پاک نمیکنند باین تقدیر در عدم طهارت ترك کلمه طیبه و ندادن «زکوة» و غیره هم شامل شد و هذا کما قال «قد افلح من تزکی» و قال «قد افلح من زکها» و قال «وحناناً من لدنا و زکوة» و غیر ذلك - مفهوم مذکور شاید از سببی گرفته شده باشد که کفار مخاطب بالفروع نیستند و یا از علتیکه این آیت مکی است و تشخیص زکوة و غیره در مدینه بعمل آمده بود و الله اعلم .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا أَوْ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

بتحقیق آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای نیک

لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝۸

ایشان راست مزد غیر منقطع

تفسیر : این اجر گاهی منقطع نبوده علی الدوام جریان دارد - و قتیکه بجنّت میرسند نه بخودشان فناست و نه ثواب آنها زوال دارد .

قُلْ أَنتُمْ لَكُمْ لَتَكْفُرُونَ يَا لَذِي خَلَقَ

بگو آیاشما کافر میشوید به آن ذاتیکه آفرید

الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ تَجْعَلُونَ

زمین را در دو روز و مقرر میکنید

لَهُ أَتَدَّادًا ذُ لِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝۹

برای او همسران را این است پروردگار عالمیان

تفسیر : چقدر جای تعجب است که از وحدانیت و صفات کمالیه رب العلمین انکار میکنند و چیزهایی را بخدا برابر مینمایند که اختیار یک ذره را هم ندارند .

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا

و پدید آورد در زمین کوههای بلند

وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدْ رَفِيهَا أَقْوَاتُهَا

و برکت نهاد در آن و اندازه کرد اندران روزیهای (اهل) آنرا

تفسیر: «و در آن برکت نهاد» یعنی انواع و اقسام خوردنیها، درختان میوه‌ها - غله جات حبوبات و حیوانات از زمین می‌برآید «و مقدر گردانید در آن خوراکیهای آنها» - یعنی خوراکیهای باشندگان زمین را بیک اندازه و حکمت خاص در زمین بیا فریست چنانچه در هر اقلیم و هر ملک بر طبق طبائع و ضروریات خوراک‌ها مهیا کرده شده.

فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءٌ لِلْإِنْسَانِ ⑩

(آفرید زمین و کوه را و تقدیر اوقات کرد) در چهار روز کامل برای سوال کنندگان

تفسیر: تمام این کار در ظرف چهار روز تکمیل یافت طوری که در دو روز زمین خلق گردید و در دو روز دیگر سر رشته متعلقات آن شد - هر کسیکه بپرسد و یا اراده پرسیدن دارد باو بگوئید که همه آنها در چهار روز کامل بدون کمی و بیشی مهیا شد حضرت شاه صاحب (رح) می‌نویسد «یعنی جواب پرسندگان پوره داده شد» .
تنبیه: درین موقع مراد از «روزها» ظاهرست که روزهای معروف و متبادر نیست زیرا که پیش از پیدایش زمین و آفتاب و غیره وجود اینها متصور نیست - لامحاله ازین روزها مقدار مخصوص روزها مراد خواهد بود و یا روزی مراد باشد که به نسبت آن فرموده است «و ان یوماً عند ربك کالف سنة مما تعدون» (حج رکوع ۶).

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ

سپس توجه نمود بسوی آسمان در حالیکه دود بود

تفسیر: سپس متوجه آسمانها شد که همه در آنوقت بصورت یک دود بود آنرا ازهم جدا کرده هفت آسمان ساخت چنانکه در آینده مذکور است - ممکن است که از «دخان» اشاره بسوی ماده آسمانها باشد.

فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا

پس گفت آسمان و زمین را بیائید بخوشی

أَوْ كَرْهًا ⑪ قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ⑫

یا بزور گفتند هر دو آمدیم بخوشی

تفسیر : اراده فرمود که از آمیزش این هردو (آسمانها و زمین) دنیا را بوجود آورد خواه برضای خود اختلاط یابند و خواه بزور آمیزش کنند (بهر حال از آمیزش هر دو ساختن يك نظام مقصود بود) هر دوی آنها آمیختند شعاع آفتاب برضا و رغبت خود از آسمان آمد، حرارت پیدا شد بادها برخاست بذریعۀ آن گرد و بخارات آب بالا شده سپس باران بصورت آب بعمل آمد در نتیجه انواع و اقسام چیزها پیدا شد - ازینکه فرموده بود که «در زمین خوراکیهای آنرا مقدر کرد» مراد آنست که برای روئیدن این چیزها در آن قابلیت و صلاحیت نهاده بود والله اعلم.

فَقَضَيْنَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ

پس ساخت آنها را هفت آسمان در دو روز (دیگر)

تفسیر : چهار روز پیشتر ذکر شد. و در دو روز آسمانها را ساخت - مجموعاً شش روز شد چنانچه بدیگر جای «سته ایام» تصریح شده .
 تنبیه : از جمله آن احادیث مرفوعه که راجع به تخلیق کائنات و تعیین و ترتیب روزها آمده است که الله تعالی فلان چیز را در فلان روز هفته پیدا کرد هیچ حدیث صحیح تاهنوز از نظر من نگذشته است حتی درباره حدیث ابو هریره که در صحیح مسلم است ابن کثیر (رج) مینویسد «وهومن غرائب الصحيح وقد علله البخاری فی التاريخ، فقال رواه بعضهم عن ابی هريرة عن كعب الاحبار وهو الاصح» و در روح المعانی از قتال شافعی نقل کرده است «تفرد به مسلم وقد تكلم عليه الحفاظ على ابن المديني والبخاری وغيرهما وجعلوه من كلام كعب وان ابی هريرة انما سمع منه ولكن اشبهه على بعض الرواة فجعله مرفوعاً» البته از این آیت قرآن کریم و از آیت سوره بقره «ثم استوى الى السماء فسوهن سبع سموات» این ظاهر میشود که هفت آسمان بعد از پیدایش زمین ساخته شده و در سوره نازعات از «والارض بعد ذلك دحاها» واضح می شود که زمین بعد از آسمان گسترانیده شده و به چندین طریق جواب داده شده است . مولوی شبیر احمد صاحب میگوید که «من تقریر ابو حیان را می پسندم» یعنی ضروری نیست که در آیت اول «ثم» و در آیت دوم «بعد ذلك» برای تراخی زمان باشد. امکان دارد که ازین الفاظ تراخی فی الاخبار و یا «تراخی رتبی» مراد بگیریم چنانکه در «ثم کان من الذين آمنوا وتواصوا بالصبر وتواصوا بالمرحمة» (سوره بلد رکوع ۱) و در جای دیگر در «عقل بعد ذلك ذنوبهم» (سوره قلم رکوع اول) همین معنی مراد گرفته شده است - بهر حال در قرآن کریم تصریح ترتیب زمانی نیست - آری در تذکار نعمت ذکر زمین و در تذکر عظمت و قدرت، ذکر آسمان مقدم کرده شده و نکته آن بادنی تأمل و تدبیر معلوم میشود تمام تفصیل آنرا نمیتوان در اینجا آورد و چند جمله فقط بغرض تنبیه اهل علم نوشته شده .

وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا

و فرستاد در هر آسمان حکم (مناسب) آنرا (تدبیر مناسب آنرا)

تفسیر : یعنی هر حکمی که مناسب هر آسمان بود . حضرت شاه (رحمة الله) مینویسد «تنها بخدا معلوم است که در آنجا کدام مخلوق زیست میکند و اسلوب و اوضاع زندگانی آنها چیست؟ چون درین زمین کوچک هزاران هزار مخلوقات است اینقدر آسمانهای کلان چگونه خالی خواهد بود» .

وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ قِزْلَةٍ

و زینت دادیم آسمان دنیا را به چراغها (ستارگان)

وَحِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۱۲

و نگهداشتیم این است تدبیر خدای غالب دانا

تفسیر : ظاهراً چنان بنظر می آید که همه ستارگان در همین آسمان ترصیع یافته اند - شبها هنگام از سبب این چراغان قدرت - آسمان چه خوش منظر معلوم میشود - مزید بر آن بقدری محفوظ است که کسی را در آنجا دسترس نیست و محافظین مقتدر فرشتگان از آن نگهبانی میکنند هیچ قوتی درین نظام محکم رخنه وارد کرده نمیتواند زیرا که قوی ترین و عالم ترین ذات آنرا فایم کرده است .

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صُِعْقَةً

پس اگر اعراض کنند بگو (ای محمد برای کفار مکه) ترسانیدم شما را از عذاب سخت

مِثْلَ صُِعْقَةِ عَادٍ وَنُوحٍ ۱۳ ط

مانند عذاب شدید عاد و نوح

تفسیر : اگر کفار مکه بعد از شنیدن چنین آیات عظیم الشان هم از پذیرفتن نصیحت و از اختیار راه توحید و اسلام اعراض کنند به آنها خبریده که «عاقبت شما هم مانند عاقبت اقوام معذب عاد و نوح خواهد شد» .

إِذْ جَاءَهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بُيُوتِ

(که واقع شد) و قتی که آمدند بایشان پیغمبران از پیش

أَيِّدِ يَهُمَّ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ

ایشان و از پس آنها

تفسیر : یعنی از هر طرف شاید بسیار پیغمبران آمده باشند مگر مشهور ترین آنها همین دورسول هود و صالح علی نبینا وعلیهما الصلوة والسلام می باشند و یا از «من بین ایدیهم ومن خلفهم» این مراد باشد که سخنان ماضی و مستقبل را به آنها می فهمانیده اند زیرا هیچ جهت و پهلوی نصیحت و تبلیغ ترك نشده است .

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۖ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا

(باین) که عبادت نکنید مگر الله را گفتند اگر میخواست پروردگار ما

لَا نَزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِهَا أُرْسِلْتُمْ

البته فرو میفرستاد فرشتگان را پس (هر آئینه) ما به آنچه فرستاده شدید

بِهِ كُفِرُوتٌ ﴿۱۴﴾

به آن کفرانیم

تفسیر : بشر چگونه رسول خدا میتواند شد چه اگر الله واقعاً اراده فرستادن رسول را داشت از آسمان فرشته را میفرستاد بهر حال ما برای پذیرفتن سخنانی که آنرا مطابق زعم خود از طرف خدا (ج) آورده اید تسلیم نداریم .

فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ

هرچه قوم عاد است پس تکبر کردند در زمین

بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا آمَنَّا بِإِسْمِ اللَّهِ وَالْغَدْرِ شِدْدٌ وَمِنَ الْقُوَّةِ

بناحق و گفتند کیست بیشتر از ما از حیث قوه

تفسیر : شاید در جواب تهدید عذابیکه از طرف پیغمبران بعمل آمد آنها گفته باشند که از ما زور آورتر کیست که ما ازو خوف کنیم - آیا مانند ما مردمان قوی را کسی مرعوب ساخته میتواند ؟ حضرت شاه (رح) می نویسد که « این مردم بسیار جسیم وقوی بودند - به قوت بدنی خود نازیدند لیکن غرور و تکبر انسان بحضور الله تعالی منقور بوده موجب وبال میگردد » .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ

آیا ندانستند این را که خدائیکه بیافرید ایشان را

هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۖ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا

اوست سخت‌تر از ایشان از حیث قوه و ایشان به آیات ما

يَجْحَدُونَ ۝ (۱۵)

انکار می‌کردند

تفسیر: اگر چه حقانیت آنها را بدل خود میدانستند مگر از روی عناد بانکار خود ادامه میدادند.

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ

پس فرستادیم برایشان باد شدید در روزهای

نَجَسَاتٍ لِّئَلَّ يُقَهُمْ عَذَابُ الْآخِرَةِ

شوم تا بچشانیم ایشانرا عذاب رسوائی

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ

در زندگانی دنیا

تفسیر: الله تعالی ایشانرا بجرم تکبرشان دچار زوال نمود و بذریعه يك مخلوق کمزور تباه و برباد کرد - هفت شب و هشت روز مسلسل طوفان باد شدید وزید و آن باد درخت، آدم، خانه و مواشی هیچ چیز را نگذاشت.

وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ

و (هر آئینه) عذاب آخرت رسواکننده‌تر است و ایشان

لَا يَنْصُرُوْنَ ۝ (۱۶)

نصرت داده نشوند

تفسیر : رسوائی آخرت نهایت و خیم و مدهش است و هیچکس آنرا باز داشته نمیتواند و نه کسی بامداد دیگری رسیده میتواند هر کس به غم خود گرفتار میباشد - حتی مدعیان بزرگ محبت و دلسوزی نیز از یا ری همدیگر می گریزند .

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَنَى

وهرچه تمود بودند پس راه نمودیم ایشان را پس اختیار کردند نابینائی را

عَلَى الْهُدَى

بر راه یابی

تفسیر : خدای تعالی میفرماید راه نجات را که پیغمبر من نشان داده بود از آن چشم پوشیدند و کوری را برای خود پسندیدند - بالاخر الله تعالی آنها را در حالت منتخبه خود شان گذاشت .

فَاَخَذَ لَهُمُ صُعِقَةً الْعَذَابِ الْهُونِ

پس در گرفت ایشانرا سخت عذاب ذلت آور

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٧﴾

بجزای آنچه میکردند

تفسیر : یعنی زلزله که ناآن يك آواز هولناك همراه بود و جگرها در اثر شدت آن آواز کفید .

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾

و نجات دادیم آنانرا که ایمان آوردند و بودند که پرهیزکاری میکردند

تفسیر : کسانی که ایمان آورده بودند و از بدی اجتناب می نمودند الله تعالی آنها را بکلی نجات داد و در وقت نزول عذاب آسیبی به آنها نرسید .

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ

و آنروز که جمع کرده میشوند دشمنان الله بسوی آتش

فَهُمْ يُورِثُونَ ۱۹

پس آنها بگروها تقسیم میشوند

تفسیر: هر نوع مجرمین گروه علیحده هستند و تمام این گروهها درانتظار یکدیگر نزدیک جهنم ایستاده کرده میشوند.

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ

تا وقتی که بیایند نزدیک دوزخ گواهی دهد برایشان

سَمِعَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ وَجَلَّوْا لَهُمْ

گوش ایشان و چشمهای ایشان و پوستهای ایشان

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۲۰

به آنچه میکردند

تفسیر: درد دنیا بگوشهای خود آیات تنزیلیه راشنیدند و به چشمهای خود آیات تکوینییه را دیدند مگر هیچ یکی را باور نکردند - باتمام جوارح و اعضا به نافرمانی خدا (ج) پرداختند و قطعاً خبر نداشتند که یادداشت جمیع گناهان آنها در ذات خودشان ثبت و محفوظ است که در موقع لازمه مفتوح میگردد - از روایات بر می آید که در محشر کفار بزبان خود از جرائم انکار خواهند کرد - درینوقت حکم صادر میشود که شهادت اعضای ایشان پیش شود که بوسیله آن ارتکاب گناه کرده بودند چنانچه هر يك عضو شهادت خواهد داد و بدین وسیله تکذیب زبان بعمل می آید - درین موقع مبهوت و حیران شده باعضای خود خواهد گفت ای بدبختان! دور شوید مادر حق شما مجادله و مدافعه میکردیم (لیکن خود شما جریمهای خود را اعتراف میکنید).

وَقَالُوا الْجُلُودُ هِيَ شَهِدَتُنَا عَلَيْنَا ط

و گویند برای پوستها (وسائر اعضای خود) چرا گواهی دادید بر ما

تفسیر: در صورتیکه ما بزبان انکار میکردیم بر شما چه جبر بود که بر علیه ما زبان به شهادت کشودید این تکلم را بشما که آموخت ؟ .

قَالُوا أَلَمْ نُنْطِقْكَ اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ

گویند گویا کرد ما را الله (برین گواهی) آنکه گویا ساخته است هر چیز (سخن گوینده) را

تفسیر : قدرت ذاتیکه هر چیز گوینده را قوت کویائی داده مارا هم گویا ساخت - بجز گفتن و گواهی دادن چاره نداشتیم - هر وقتیکه آن قادر مطلق بخواهد کسی را کویائی بخشد آیا مجال دارد که سخن نگوید (ذاتیکه بر زبان قوت کویائی بخشود آیا آن قوه را در دیگر اعضا اعطا کرده نمیتواند).

وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۲۱﴾

و او بیافرید شما را اول بار و بسوی او باز گردانیده میشود

تفسیر : هر دو احتمال است که این کلام خدا (ج) باشد و یا سخن جلود .

وَمَا كُنْتُمْ تُسْتَرُّونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ

و نبودید که پرده میکردید (از خوف) آنکه گواهی دهد بر شما

سَمْعَكُمْ وَلَا أَبْصَارَكُمْ وَلَا جُلُودَكُمْ

گوش شما و نه چشم های شما و نه پوستهای شما (زیرا بگواهی آنها اعتقاد نداشتید)

تفسیر : پنهان از دیگران گناه میکردید - یقین نداشتید که دست و پا و دیگر اعضا تمام راز شما را افشاء میکنند و بر علیه شما شهادت میدهند تا از آنها نیز پرده میکردید و اگر اراده اخفاء هم می نمودید قدرت آنرا کجا داشتید .

وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا

و لیکن گمان داشتید که الله نمیداند بسیاری

مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۲۲﴾

از آنچه میکنید

تفسیر : در حقیقت از طرز عمل شما ظاهر میشود که گویا بر علم محیط خدای تعالی یقین نداشتید - گمان میبردید که « هر چه بخواهیم میکنیم و کسی نگران و مراقب حال ما نیست » - اگر کماحقه یقین میداشتید که « خدای متعال به تمام حرکات ما آگاه و بحضور او تمام سجل ما محفوظ است » هرگز چنین شرارت ها را ارتکاب نمیکردید .

وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ

و این گمان شما آن گمانی که برده بودید به پروردگار خود

أَرَدَّاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخُسِرَٰئِ ۝۳۳

هلاک ساخت شمارا پس گشتید از زیانکاران

فَإِنْ يَّصْبِرْ وَآلَ لَنَارٍ مَّثْوًى لَهُمْ ط

پس اگر صبر کنند (بعذاب) پس آتش مسکن ایشان است

وَإِنْ يَّسْتَغِيثُوا فَمَاهُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ۝۳۴

و اگر عفو طلبند پس نیستند ایشان از گروه عفو کرده شدگان

تفسیر : حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد « یعنی درد دنیا بعضی باز از صبر آسان می‌گردد لیکن در آخرت صبر کنند و یسائند دوزخ نشیمن آنها مقرر شده (که خروج از آنجا گاهی امکان ندارد) و بعضی بلادرد دنیا بذریعه عذر و خوشامد رد می‌شود اما در آخرت هرچه معذرت و فریاد کنند قطعاً پذیرفته نمی‌شود » .

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ

و گماشتیم برای ایشان همنشینان پس آراسته کردند برای شان آنچه

أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

پیش روی ایشان و آنچه پس پشت ایشان است

تفسیر : بر آنها شیطانها گماشته شده بودند که بایشان کارهای بد را که سابقا کردند و یا در آینده بکنند خوشنما و زیبا وانمود کنند و ماضی و مستقبل تباهی آور را مقبول و قشنگ جلوه داده بایشان پیش کنند و تقرر این شیطانها هم محض نتیجه اعراض آنها از ذکر بود کما قال تعالی «ومن يعش عن ذكر الرحمن نقيض له شيطانا فهو له قرين» (زخرف - رکوع ۴) .

وَحَقُّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ خَلَتْ

و ثابت شد و برایشان سخن عذاب با امتانی که گذشته‌اند

مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

پیش از ایشان از جن و انسان

تفسیر : مراد از سخن عذاب همان سخنی است که سابق گفته شده بود «لَا مَلْئَنَ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (هود رکوع ۱۰) .

إِنَّهُمْ كَانُوا خَسِرَ يٰنَ

ع۳

۲۵

زیانکاران

بمحقق ایشان بودند

تفسیر : وقتی که به آدم خساره عارض می‌گردد همین طور وقوع می‌یابد و همچنین اسباب آن پیدا می‌گردد .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا

و گفتند و کافران گوش ننهید

الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ

۳۶

قرآن و سخن بی‌هوده گوئید در (اثنا خواندن) آن شاید شما غالب شوید

تفسیر : آواز قرآن کریم مانند برق در دل‌های سامعین تاثیر می‌کند کسی که می‌شنید فریفته آن می‌گردد - کفار برای دفع تاثیر آن چنان تدبیر سنجیدند که «بشنیدن آن قطعاً گوش نگیریم و آنقدر غلغله و هیاهو برپا کنیم که دیگران هم شنیده نتوانند بدین وسیله از غلغله و یاهو سرانی ما آواز قرآن مجید مغلوب می‌شود» درین ایام هم جاهلان همه تدبیر ها را می‌سنجند که سخن کار آمد و مفید بذریعه برپا کردن شور و شر هرگز شنیده نشود لیکن غرر صدقت از آواز پشه ها و مگسها قطعاً مغلوب نمیشود - علی الرغم تمام این تدابیر ناهنجار آواز حق به اعماق قلوب حتماً میرسد .

فَلَنذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا

پس هوائینه می‌چسانیم کافران را عذاب سخت

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَشْوَأَ الَّذِي كَانُوا

آنچه

بدترین

و هر آئینه جزاء می دهیم بایشان

يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾

میکردند

تفسیر : کار زشت تر ازین چیست که نه خودش پند و نصیحت را گوش کند و نه دیگران را باستماع آن بگذارد .

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ ج

آتش

الله

دشمنان

جزای

این است

لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا

به آنچه که ایشان

جزا

سرای جاویدان

ایشانراست در آن

يَايْتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٢٨﴾

انکار میکردند

به آیات ما

تفسیر : دردل خود حقانیت آنرا می دانستند لیکن از سبب تعصب و عناد به انکار عادت گرفته بودند .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ

آن دو

ای پروردگار ما بنما مارا

کافران

و گویند

أَضَلَّنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا

که بیندازیم آنها را

انس

و

که همراه ساختند ما را از جن

تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُوْنَا مِنْ الْأَسْفَلِيْنَ ۝۳۹

زیر قدمهای خود تا گردند از جمله (مروه) پایان ترین

تفسیر: بهر تقدیر ما گرفتار عذاب و بلا شده ایم لیکن از بین آدمیان و جنیان آن شیطانی که مارا به لطائف الحیل گمراه ساخته و باین آفت مبتلا کرده اند بدست ما بدید تا آنها را لگد کوب کنیم و به نهایت ذلت و خواری به طبقه تحتانی جهنم پرتاب نمائیم باشد که بدین وسیله انتقام گرفته دل خود را تسکین دهیم .

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا

بتحقیق آنانکه گفتند پروردگار ما الله است باز فائز ماندند (بران)

تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا

فرود می آیند برایشان فرشتگان (گویند گمان اینکه) متوسلید

وَلَا تَحْزَنُوا أَوْ أَبْشِرُوا بِأَلْجَنَّةِ الَّتِي

و غمگین مشوید و خوش باشید به آن بهشتی که

كُنْتُمْ تُوْعَدُونَ ۝۴۰

شمارا به آن وعده داده میشد

تفسیر: فلپا اقرار و تصدیق کردند و بران فائز ماندند و هیچکس را در ربوبیت والوهیت او تعالی شریک و انباز نگردانیدند و ازین یقین و اقرار تادم مرگت باز نگشتند نه مانند حربه متلون بودند ، چیزی را که به زبان اظهار کرده بودند اعتقاداً و عملاً به آن ثابت و مستقیم ماندند . حق ربوبیت کامله الله را شناختند ، هر عمل را خاص برای خوشنودی و سپاسگذاری او تعالی میکردند . حقوق و فرائض رب خود را فهمیده و آنرا بجا آوردند - خلاصه از همه چیز های ماسوی الله رو گردانیده مستقیماً بسوی او متوجه و بر راهیکه او مقرر داشته روان شدند - بر چنین بندگان مستقیم الحال در قریب موت آنها و هنگامیکه آنها در قبر میرسند و نیز بعد از آنکه از قبرها برمیخیزند فرشتگان خدای منان نازل شده آنها را تسکین و تسلی و مرده جنت میدهند - فرشتگان

میگویند که حالا موقع ترس و بیم و اضطراب قطعاً باقی نمانده جمیع فکر ها و غم های دنیای فانی به پایان رسیده و اندیشه کدام آفت آینده هم باقی نمانده اکنون هر نوع عیش جسمانی و مسرت و روحانی بطور ابدی برای شماست و وعدهای جنت که از زبان انبیاء علیهم السلام به شما داده شده بود حالا ایفاء میشود - این دولتی است که اگر بحصول آن یقین حاصل گردد هیچ فکر و غم به آدم لاحق نمیشود .
 تنبیه : بسیار ممکن است که بر متقین و ابرار درین زندگی دنیوی هم يك نوع نزول فرشتگان بعمل بیاید و آنها از حکم خدا سخنان بهبودی و بهتری را در امور دینی و دنیوی آنها الهام میکنند این الهام باعث شرح صدر و موجب تسکین و اطمینان آنها میگردد چنانکه در مقابل آنها پیش از چند آیت گذشته است که شیاطین بر کفار مسلط اند که بذریعه تزئین قبايح برای آنها سر رشته اغوا میکنند در موقع دیگر در حق شیاطین هم لفظ «تنزل» استعمال شده است قال الله تعالى «تنزل علی کل افاک ائیم یلقون السمع و اکثر هم کاذبون» (شعراء رکوع ۱۱) بهر حال نزد بعض مفسرین میتوان این معنی را هم مراد گرفت و نظر باین تقریر ربط آیت مابعد «نحن اولیاءکم فی الحیوة الدنیا» واقع تر میشود والله اعلم .

نَحْنُ أَوْلَیَؤُكُمْ فِی الْحَیْوةِ الدُّنْیَا

مائیم . رفقای شما در زندگانی دنیا

وَ فِی الْآخِرَةِ ج

در سرای آخره

تفسیر : بعضی این جمله را کلام خدا گفته است یعنی کلام فرشتگان پیش از آن ختم شد و نزد اکثر اینجمله هم مقوله فرشتگان است گویا فرشتگان این قول را در دل های آنها الهام میکنند و به همت آنها میفرایند - ممکن است که درین زندگی به بعض بندگان مشافهه هم اینقدر الفاظ بگویند و ممکن است که قریب موت و یا بعد از آن گفته شود درینصورت مطلب «نحن اولیاءکم فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة» این می باشد که ما در دنیا هم رفقای شما بوده ایم که بحکم خدا (ج) بطور باطنی اعانت شما را میکردیم و در آخرت هم رفیق شما میباشیم که در آنجا شفاعت شما و یا سر رشته اعزاز و اکرام شما را می نمائیم .

وَ لَکُمْ فِیْهَا مَا تَشْتَهَیْ اَنْفُسُکُمْ

و شمار است در آن آنچه خواهش میکند نفسهای شما

وَ لَکُمْ فِیْهَا مَا تَدَّعُوْنَ ط

و شمار است در آن آنچه می طلبید

تفسیر : خواهش و رغبت هر چیز را که بدل دارید و آنچه که بزبان طلب کنید همه را خواهید یافت چه در خزائن خدای متعال هیچ چیز قلت ندارد .

نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ ۝۴۴

بطریق مهمانی از جانب بخساینده مهربان

تفسیر : یعنی بدانید که آن ذات آمرزنده مهربان بامهمانیهای خود چه سلوک خواهد کرد این چقدر عزت و توقیر بزرگی است که يك بنده ضعیف مهمان حضرت رب العزت باشد

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا لِّمَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ

و کیست نیکوتر باعتبار سخن از آنکه دعوت داد (مردمان را) بسوی الله

وَعَمَلًا صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝۴۵

و کرد کار نیکو و گفت بدرستی که من از فرمان بردارانم

تفسیر : پیشتر در «ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا» ذکر آن بندگان مخصوص مقبول بود که آنها فقط به ربوبیت خدای یگانه اعتقاد محکم داشته استقامت خود را با ثبات رسانیدند. درین موقع يك مقام اعلای دیگر آنها ذکر میشود یعنی بهترین شخص آنست که خودش را بر تمام معنی بخدا بسپرد و فرمان برداری او را اعلان کند و براه پسندیده او روان باشد مزید بر آن اهل دنیا را بسوی او تعالی دعوت بدهد - قول و فعل این بنده برای جلب بندگان بسوی خدا مؤثر واقع شود - بسوی نیکو که مردم را دعوت دهد خودش بران عامل باشد - با اعلان بندگی و فرمانبرداری خود بحضور الله به هیچ موقع و به هیچگاه نشر مد - طغرای قومیت او تنها دین اسلام باشد و از هر نوع تنگ نظری و روابط فرقه دارانه بکلی بر کنار بوده مسلمان بودن خود را به گوش جهانیان برساند و مردم را بسوی همان مقام اعلی دعوت دهد که برای دعوت آن سیدنا محمد رسول الله (ص) مبعوث و مامور شده بودند و صحابه (رضی الله عنهم) عمرهای خود را در آن راه صرف کردند

وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۚ ادْفَعْ

و برابر نیست نیکو و نه بدی دفع کن (بدی را)

بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ

به آنچه که آن بهتر است پس ناگهان آنکس که میان تو

وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾

و میان او دشمنی است گویا که او دوست قریب است
تفسیر : این آیات يك «داعی الی الله» صادق را که بحسن اخلاق ضرورت دارد تعلیم میدهد یعنی نیک بدانید که نیکی ببدی و بدی بانیکی برابر نیست و هر يك نائیر جداگانه دارد - بلکه بعض نیکی نسبت به نیکی دیگر مؤثر تر و بعض بدی نسبت به بدی دیگر وخیم تر است - بنابراین مومن قانت و خصوصاً داعی الی الله را مسلکی باید باشد که بدی را ببدی مقابله نکند بلکه تا اندازه ممکنه مقابل بدی به نیکوئی پیش بیاید - اگر کسی باو سخن زشت بگوید و باید سلوکی نماید باید مقابل وی طرزی اختیار کند که بهتر از آن باشد مثلاً در جواب قهر و غضب به برده باری ، در جواب دشنام به تهذیب و شایستگی و در جواب سختی به نرمی و مهربانی پیش بیاید - نتیجه این طرز عمل را خواهید دید که سخت ترین دشمن هم سست میگردد و اگرچه از دل دوست نشود مگر وقتی میرسد که اوظاهرآ مانند يك دوست صمیمی با شما رفتار خواهد کرد بلکه ممکن است بعد از مرور چند روز از تۀ دل دوست شود و بغض و عداوت را يك قلم از دل بیرون کند کما قال تعالى «عسى الله ان يجعل بینکم و بین الذین عادیتکم منهم مودة» (سورة ممتحنه - رکوع ۲) آری اگر طینت شخصی مانند مار و گژدم باشد که خوش اخلاقی برو هیچ اثر نکند سخنی است جداگانه مگر عده همچو افراد بسیار کم می باشد - بهر حال کسانی که به منصب دعوة الی الله فایز میشوند به صبر و استقلال زیاد و حسن خاق ضرورت دارند .

وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقِيهَا

وداده نمیشود این خصلت مگر آنان را که صبر کردند و داده نمیشود این خصلت

إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾

مگر خداوند بهره بزرگ را

تفسیر : تحمل سخن بد و به نیکوئی جواب دادن حوصلۀ بزرگ میخواهد این اخلاق و خصلت اعلی از طرف الله تعالی به کسانی که از نیک بختی و طالع حصۀ بزرگی دارند اعطا میشود . (ربط) تا اینجا داعی الی الله را به سلوک نیکو در مقابل دشمنی رهبری نموده که از حسن معامله و خوش اخلاقی میتواند متأثر شود . لیکن بعض دشمن چنان است که بهیچ حال و بهیچ صورت از دشمنی دست برداشته نمیتواند هر چند مدارا - تلافی و یا نرمی بکار برید نصب العین او همین است که بهر وسیله بشما نقص برساند بغرض نگهداشتن از چنین شیطان پخته تدبیری را در آتی تلقین میفرماید .

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ

و اگر برسد بر تو از شیطان خله زدنی (وسوسه)

فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۳۶﴾

پس پناه بگیر به الله بتحقیق او شنوا داناست

تفسیر : در مقابل جنین شیطان نمیتوان از نرمی، عفو و مسامحه کار گرفت۔ تنہا یک تدبیر نجات آنست کہ در پناه خداوند قدوس در آئید ۔ این فنعہ بقدری متین و محکم است کہ شیطان بہ آن راہ یافتہ نمی تواند ۔ اگر شما واقعاً اندرا باخلاص و تضرع بخوانید اوتعالی ضرور شما را بہ پناہ خود خواهد گرفت چرا کہ دعاء و فریاد ہر یکی را میشنود و نیک میداند کہ کدام کس بچہ احلاص و تضرع اورا خواندہ است ؟ حضرت شاہ صاحب (رح) بغرض اظہار ر بط این آیت بہ آیت ماقبل مینویسند « یعنی اگر گاہی بی اختیار مغلوب قہر و خشم شوید شیطان درین کار دخالت دارد » چہ او نمیخواہد کہ حسن اخلاق را معمول خود ساختہ در مقصد دعوی الی اللہ کامیاب و کابران شوید ۔

وَمِنْ آيَاتِهِ الْيَوْمُ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ط

و از دلائل قدرت اوست شب و روز و آفتاب و ماه

تفسیر : با دعوت الی اللہ چند دلیل سماویہ و ارضیہ را بیان میفرماید کہ داعی الی اللہ را برای تفہیم عظمت و وحدانیت اللہ تعالی و بعث بعد الموت و غیرہ مسائل مهمہ کمکی بہ آن حاصل شود ۔ در ضمن آن بدینطرف ہم اشارہ شد کہ اگر از یکطرف بندگان مخصوص خدای تعالی بقول و عمل خویش مردم را بسوی خدا (ج) دعوت میدهند از جانب دیگر نظم و نسق عظیم الشان مہتاب و آفتاب و زمین و آسمان متفکرین و محققین را بسوی همان خدای واحد دعوت میدہد ۔

وفي كل شيء له آية • تدل على انه واحد

نباید انسان درین علامات تکوینی تفکر و کاوش نمودہ خود را محصور سازد چنانکہ بسیاری قومہا همین طور کردہ اند بلکہ لازم است بحضور آن مالک و صاحب اقتدار لامحدود سر نیاز خم کند کہ این جمیع نشانی ها از وست و زیبائی آنها آفریدہ قدرت اوست و ممکن است برین مطلب ہم تنبیہ باشد مثلیکہ شب و روز و علامات این ہر دو یعنی آفتاب و ماہ مقابل یکدیگر اند و اللہ تعالی آنها را تغییر و تبدیل میدہد این قدرت را ہم دارد کہ بطفیل روشنی دعوی الی اللہ و در اثر علوہمت و خوش اخلاقی داعی ماہیت مخاطبین را منقلب گرداند و فضای تاریک را بہ محیط روشن و درخشان تبدیل نماید ۔

لَا تَسْجُدْ لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدْ وَاب

سجده مکنید آفتاب را و نہ مادرا و سجده کنید

لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿۳۷﴾

الله را کہ آفرید این چیز ہارا اگر ہستید کہ خاص اورا عبادت میکنید

تفسیر : پرستندگان خورشید و ماه میگفتند که مدعی ما از پرستش این چیز ها پرستش خداست - مگر خدای تعالی خاطر نشان فرمود که این چیزها لائق پرستش نیست - مستحق عبادت فقط خدای یگانه است - غیرالله را عبادت کردن عیناً در برابر خداوند واحد بغاوت کردن است .

فَإِنْ اسْتَغْبَرُوا فَاَلَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ

پس اگر تکبر کنند (چه باك) پس آنانکه نزد پروردگار تواند

يُسَبِّحُونَ لَهُ يَالَيْلِ وَالنَّهَارِ

تسبیح میگویند او را شب و روز

وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۝۳۸

و ایشان مانده نمیشوند

تفسیر : اگر غرور و تکبر آنها مانع پذیرفتن حق است و باوجود وضوح دلائل توحید نمیخواهند بسوی عبادت خدای یگانه بیایند اختیار بخود شان است حتماً به نقص خود شان تمام میشود - خداوند متعال را از آنها باك نیست - خوب فکر کنید که بحضور ذاتیکه عالم عظمت و جبروت او این است که ملائکه مقربین بشمار شب و روز در عبادت و تسبیح و تقدیس او مشغول میباشند که نه گاهی مانده میشوند گاهی دلگیر و افسرده میگردند این بیچارگان چه اهمیت دارند و غرور آنها چیست از اظهار تکبر بی اساس و باطل حتماً خود را دچار نقصان مینمایند -

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ

و از جمله نشانههای او این است که تو می بینی زمین را

خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ

ذلیل و خشک پس چون فرود آوریم بر آن آب را بجنبش آید

وَرَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيٍ الْمَوْتِ ط

و منتفخ شود هر آینه آنکه زنده گردانیده زمین را (هر آینه) زنده کننده مردگان است

إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳۹﴾

(بتحقیق) او بر همه چیز تواناست

تفسیر : زمین را می بینید که بیچاره در حالت افسردگی و بی‌مردگی افتاده بود در اوقات خشکی تمام فضا بر از گرد و غبار بنظر می آید - لیکن به جردیکه انبار باران می بارد منظره شادابی و خرمی آن قابل دیدن میگردد - خوب بسنجید که این انقلاب نتیجه تصرف قدرت کیست ؟ خدا لیکه اینطور زمین مرده را زنده کرد آیا نمیتواند در ابدان انسانهای مرده دوباره روح دمیده و دل‌های مرده را از نائیر دعوة الی الله سر از نو حیات تازه بخشد ؟ - بدون شک و شبهه او هر چه کرده میتواند و مقابل قدرت و اختیار او هیچ مزاحم و مانعی نیست .

إِنَّ الَّذِينَ يُلْجِدُونَ فِي آيَاتِنَا

(بتحقیق) آنانکه کج رفتاری میکنند در آیتهای ما

لَا يَخْشَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ

پوشیده نمیشوند بر ما (پس جزا میدهم آنها را بکجروی شان) آیا آنکه انداخته شود در آتش

خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِيَ الْيَوْمَ الْقِيَمَةِ

بهتر است یا آنکه بیاید به امن در روز قیامت

اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۴۰﴾

(بطور تهدید به آنها گفته شود) بکنید هر چه میخواهید بتحقیق الله به آنچه میکنید بیناست

تفسیر : با آنکه اشخاص از زبان آنانیکه مردم را بسوی خدای متعال دعوت میدهند آیت تنزیلیه را میشنوند و آیات کونیه خدا را بر صفحه دهر می بینند باز هم از کجروی باز نمی آیند و سخنان واضح و راست را از تولید شبهات بی اساس گنج می سالارند و با آنرا قصد تحریف و تغییر داده مطلب را غلط و مغشوش میکنند و یا تجاهل نموده عذر ها و بهانه ها نموده و از پذیرفتن این آیات بهلو تهی میکنند حق تعالی چنین کجروان را خوب میداند - ممکن است که این مردم بر مکاریهای خود بنازند مگر هیچ رفتار و کردار آنها بر خدا مخفی نیست آنگاه که بحضور او تعالی بروند بچشم سر خواهند دید فی الحال او تعالی آنها را مهلت داده است زیرا عادت اوست که مجرم را فوراً گرفتار

نمیکند از همین سبب فرمود «اعملوا ما شئتم انه بما تعملون بصیر» یعنی هر چه میخواهید بکنید مگر بیاد داشته باشید که تمام حرکات تان نزد الله تعالی ثبت و محفوظ است و روزی خساره آنرا خواهید برداشت. حالا خوب فکر کنید آن شخصیکه به جزای شرارت های خود در آتش شعله زن بیفتد و شخصیکه از سبب رفتار شرافتمندانه و کردار صالحانه و نجیبانه خود دائماً بامن و سلام باشد ازین دو نفر کدام يك بهتر است؟

إِنَّ الَّذِي يَنْ كَفَرُوا بِالَّذِي كُرِّ

(بتحقیق) آنانکه کافر شدند به نصیحت (بقرآن)

لَهَا جَاءَهُمْ

بمجردیکه آمد به ایشان (پوشیده نیستند از ما)

تفسیر: از کجروی خود در سخنان نصیحت شبهات پیدا میکنند حالانکه از هیچ طرف در آن گنجایش دروغ نیست. آن نصیحت چیست؟ يك کتاب راست، واضح، متین و محکم است که بدون شخص احق و شریر هیچکس از آن انکار کرده نمیتواند.

وَأَنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ

(و بتحقیق) این نصیحت (قرآن) کتابی است نادر «عزیز القدر» نمی آید باو باطل

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ

از پیش روی آن و نه از عقب آن فرستاده شده است

مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ

از حکیم ستوده

تفسیر: در کتاب فرو فرستاده او تعالی قطعاً دروغ راه ندارد و کتابیکه کفیل حفاظت او خداست باطل را مجال نیست که از هیچ جهتی در آن راه یابد.

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ

«یا محمد» گفته نمیشود بتو مگر آنچه گفته شده به رسولان

مِنْ قَبْلِكَ ^ط إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ

پیش از تو (هر آئینه) پروردگارتو خداوند آمرزش است (مؤمنان را)

وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ^{۴۲}

و خداوند عقوبت دردناک است (کافران را)

تفسیر: رفتاری که کافران با تو میکنند عیناً همان معامله است که کافران هر عصر با پیغمبران سابق نموده اند - پیغمبران را همیشه شیوه خیر خواهی و دلسوزی بوده ولیکن کافران در بدل آن هر نوع اذواء ورنج به آنها رسانیدند - پس همانطور که پیغمبران بر مصائب و نوائب صبر کردند توهم بصبر عادت کن در نتیجه بعضی مردم تائب گردیده براه راست می آیند برای اینها از طرف الله تعالی آمرزش و رستگاری است و برخی که بر کجروی و ضد خود قائم میمانند بالآخره مستوجب سزای درد ناک میگردند.

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَبِيَّا لَآلَوْا

و اگر می ساختیم این کتاب را قرآن بزبان عجم (غیر عربی) هر آئینه میگفتند (کافران عرب)

لَوْ لَا فَصَّلَتْ آيَتُهُ ^ط أَعْجَبِيٍّ ^ط وَعَرَبِيٍّ ^ط

چرا بیان کرده نشده (بزبان ما) آیتهای او آیا (قرآن) عجمی است و (مخاطب) عربی

تفسیر: اگر اراده قبول سخنی نباشد آدم هزار ها حيله و بهانه بکار میبرد - کفار مکه چون اعتراضی آورده نتوانستند چنین اظهار نمودند که «معجزه پیغمبر عربی را وقتی میدانستیم که قرآن غیر از عربی در کدام زبان دیگر نازل میشود» - لیکن فرضاً اگر همینطور هم بوقوع می پیوست باز به تکذیب پرداخته اظهار میکردند که «عجیباً گاهی چنین واقعه بی ربط را دیده اید که رسول عربی و قوم او هم که طرف خطاب اولین او قرار دارند عرب باشد مگر کتاب بزبانی فرستاده شود که یا حرف آنها هم عربها فهمیده نتوانند»

قُلْ هُوَ الَّذِي يَهْدِي الْغَالِيْنَ أَمَّنْهُ هُدًى وَ شِفَاءٌ ^ط

بگو او (قرآن) هدایت برای مؤمنان و شفاء است

تفسیر : اعتراضات بیپوده و بی مورد گاهی ختم نمیشود - لیکن هرکس می تواند به این تجربه پردازد که این کتاب مقدس آنانیرا که بران ایمان می آورند و به او امرش عمل میکنند چه هدایت و بصیرت عجیب و فراست و دانش بی نظیر عطا میکند و امراض کهنه آنها را از بین برده و ایشان را چگونه تندرست و تنومند میسازد .

وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِيَّ إِذْ أَنَاهُمْ وَ قُرْ

و آنانکه ایمان نمی آورند در گوشهای شان گرانی است

وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ط

و قرآن و برایشان کوری است

تفسیر : چنانکه چشم خفاش (شب پره) در روشنی آفتاب خیره میگردد این منکران و هم در روشنی قرآن هیچ چیز بنظر نمی آید پس قرآن را چه قصور ؟ - بر منکران لازم است که ضعف و قصور بینائی خود را احساس نموده به علاج خود متوجه شوند .
(مگر نبیند بروزشپره چشم * چشمه آفتاب را چه گناه)

أَوَلَيْكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بُعِيدٍ ۚ

آن جماعه (چنان اند که) آواز داده میشوند از جای دور

تفسیر : اگر کسی را از مسافت بعیدی صدا کنید اول نمی شنود و اگر آنرا بشنود بدرستی فهمیده نمیتواند همینطور منکران قرآن هم از خود صداقت و از منبع صداقت آنقدر دور واقع شده اند که صدای حق تا گوش دل آنها نمیرسد - و اگر گاهی برسد مطلب صحیح آنرا نمی فهمند .

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

و (بتحقیق) دادیم موسی را کتاب

فَا خْتَلَفَ فِيهِ ط

پس اختلاف کرده شد در آن

تفسیر : چنانکه امروز بین باورکنندگان قرآن و منکران آن اختلاف موجود است در تورات هم سابقاً همچنین اختلاف برپا شده است - پس خوب غور و دقت کنید که انجام اختلاف سابق چه شد .

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

و اگر نبودى کلمه‌كه سابق‌صادر شده از پروردگار تو

لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

البته فیصله کرده‌میشد در میان ایشان

تفسیر : از طرف پروردگار همین حکم صادر شده که در آخرت فیصله میشنود .

وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ۝۴۵

و (هرآئینه) ایشان در شك اضطراب اندازنده‌اند از قرآن

تفسیر : شكوك مهمل و شبهات بینید آنها را آرام نمیگذارد . این شبهات هر وقت در دل آنها تحریک خلجان میکند .

مَنْ عَمَلٍ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ أَسَاءَ

هر كه بکند کار نیک پس برای (نفع) خود اوست و هر كه بدی کند

فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۝۴۶

پس وبال آن بروی است و نیست پروردگار تو هیچ ستم کننده بر بندگان

تفسیر : بدر بار الله تعالى ظلم و جود ندارد . هر آدم در عمل خود بنگرد و بداند که قرار کردار های خویش جزاء خواهد یافت نه نیکی کسی بحضور او تعالى ضایع میشود و نه بدی یکی بر دوش دیگری افکنده می‌شود . (ربط) در روز قیامت مطابقت نیکی و بدی مکافات و مجازات کامل داده میشود - کفار اکثراً می‌پرسیدند که قیامت چه وقت می‌آید لذا آیت ما بعد چنان شرح میدهد «الیه یرد علم الساعة» .

۹۹ نام های **الله** قرار ذیل است ۱/۲

۳۳	الْعَظِيمُ
۳۴	الْغَفُورُ
۳۵	الشَّكُورُ
۳۶	الْعَلِيُّ
۳۷	الْكَبِيرُ
۳۸	الْحَفِیْظُ
۳۹	الْمُقِیْتُ
۴۰	الْحَسِیْبُ
۴۱	الْجَلِیْلُ
۴۲	الْكَرِیْمُ
۴۳	الرَّقِیْبُ
۴۴	الْمُجِیْبُ
۴۵	الْوَاسِعُ
۴۶	الْحَكِیْمُ
۴۷	الْوُدُودُ
۴۸	الْمَجِیْدُ

۱۷	الرَّزَّاقُ
۱۸	الْفَتَّاحُ
۱۹	الْعَلِیْمُ
۲۰	الْقَابِضُ
۲۱	الْبَاسِطُ
۲۲	الْخَافِضُ
۲۳	الرَّافِعُ
۲۴	الْمُعِزُّ
۲۵	الْمُذِلُّ
۲۶	السَّمِیْعُ
۲۷	الْبَصِیْرُ
۲۸	الْحَكَمُ
۲۹	الْعَدْلُ
۳۰	اللطِیْفُ
۳۱	الْخَبِیْرُ
۳۲	الْحَلِیْمُ

۱	الرَّحْمَنُ
۲	الرَّحِیْمُ
۳	الْمَلِكُ
۴	الْقُدُّوسُ
۵	السَّلَامُ
۶	الْمُؤْمِنُ
۷	الْمُهَیْمِنُ
۸	الْعَزِیْزُ
۹	الْجَبَّارُ
۱۰	الْمُتَكَبِّرُ
۱۱	الْخَالِقُ
۱۲	الْبَارِئُ
۱۳	الْمُصَوِّرُ
۱۴	الْغَفَّارُ
۱۵	الْقَهَّارُ
۱۶	الْوَهَّابُ

٨٣	الرَّؤُوفُ
٨٤	مَالِكُ الْمُلْكِ
٨٥	ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
٨٦	الْمُقْسِطُ
٨٧	الْجَامِعُ
٨٨	الْغَنِيُّ
٨٩	الْمُغْنِي
٩٠	الْمَانِعُ
٩١	الضَّارُّ
٩٢	النَّافِعُ
٩٣	النُّورُ
٩٤	الْهَادِي
٩٥	الْبَدِيعُ
٩٦	الْبَاقِي
٩٧	الْوَارِثُ
٩٨	الرَّشِيدُ
٩٩	الصَّبُورُ

٦٦	الْوَاحِدُ
٦٧	الْأَحَدُ
٦٨	الصَّمَدُ
٦٩	الْقَادِرُ
٧٠	الْمُقْتَدِرُ
٧١	الْمُقَدَّمُ
٧٢	الْمَوْخِرُ
٧٣	الْأَوَّلُ
٧٤	الْآخِرُ
٧٥	الظَّاهِرُ
٧٦	الْبَاطِنُ
٧٧	الْوَالِي
٧٨	الْمُتَعَالِي
٧٩	الْبَرُّ
٨٠	التَّوَابُ
٨١	الْمُنْتَقِمُ
٨٢	الْعَفُوُّ

٤٩	الْبَاعِثُ
٥٠	الشَّهِيدُ
٥١	الْحَقُّ
٥٢	الْوَكِيلُ
٥٣	الْقَوِيُّ
٥٤	الْمَتِينُ
٥٥	الْوَلِيُّ
٥٦	الْحَمِيدُ
٥٧	الْمُخْصِي
٥٨	الْمُبْدِئُ
٥٩	الْمُعِيدُ
٦٠	الْمُحْيِي
٦١	الْمُمِيتُ
٦٢	الْحَيُّ
٦٣	الْقَيُّومُ
٦٤	الْوَاجِدُ
٦٥	الْمَاجِدُ

در زیر نامهای ۲۶ پیغمبران گرامی را مشاهده میکنید که نامهایشان در قرآنکریم ذکر شده است

۱ - آدم ع

ادریس ع ۲	نوح ع ۲	هود ع ۴	صالح ع ۵
ابراهیم ع ۶	لوط ع ۷	اسماعیل ع ۸	الْحَقُّ ع ۹
یعقوب ع ۱۰	یوسف ع ۱۱	ایوب ع ۱۲	شعیب ع ۱۳
موسی ع ۱۴	هارون ع ۱۵	داود ع ۱۶	سُلَیْمَان ع ۱۷
یونس ع ۱۸	الیاس ع ۱۹	ایسح ع ۲۰	ذمی الکفل ع ۲۱
عزیر ع ۲۲	زکریا ع ۲۳	یحیی ع ۲۴	عیسی ع ۲۵

۲۶ - محمد (ص)

پنج پیغمبران اولوالعزم

۱ نوح ع

۲ ابراهیم ع

۳ موسی ع

۴ عیسی ع

۵ محمد ص

حضرت محمد (ص) و چہار یارانش

۱ حضرت ابوبکر
صدیق رض

حضرت
محمد
ص

۲ حضرت
عُمر
رض

۴ حضرت
علی
رض

۳ حضرت
عثمان رض



HOLY QURAN

With

Tafsire Kabuli

24